

# پیام دانشجو

ادگان سازمان دانشجویان جنبه ملی ایران

جنبه ملی مرکز احزاب و اجتماعات و دستجاتی است که برای خود تشکیلاتی دارند و مراعی جز آزادی و استقلال - ایران ندارند  
از نامه جناب آقای دکتر مصدق

شانزدهم آذر ۱۳۴۳

بها ۵ ریال

گرامی باد میراث شانزدهم آذر

- ۱ - گرامی باد میراث شانزدهم آذر
- ۲ - جهاد دولتی بسرای پیشرفت استبداد و استعمار
- ۳ - اعتصاب همه جانبه رانندگان تاکسی و کسراید
- ۴ - نرهنگیان در مبارزات خویش تنها نیستند



احمد قندچی مصطفی بزرگ نیا شریعت رضوی

در تاریخ خرمیت روزگانی وجود دارد که از دیگر ایام ممتاز بوده و شکوه و - احترام فراوانی را بخود اختصاص میدهد - روزی که تلاشها به ثمر برسند

وسرود پیروزی قلب ما را از شرق لبریز میسازد و روزی که حماسه پیکار جانبازی و پایمردی طلب میکند و سربازان بر درگت از حقوق واقعی ملت خود شجاعانه دفاع مینمایند و سنگرها را با خون خویش رنگین میسازند  
شانزدهم آذر در شمار روزهایست که استقامت دلیرانه قهرمانان آن بهترین سنت مبارزه را بوجود آورد و خاطره آن تا ابد کانون مبارزه را گرم و فرزندان نگاه خواهد داشت  
یازده سال از روز شانزدهم آذر سال ۳۲ میگذرد روزی که دیکتاتوری میخواست آخرین فریاد ملت را در گلو خفه سازد تا با سودگی خاطر بحکومت خود کامه شود ادامه دهد

بال کودتای استعمارگران آمریکائی و انگلیس و سوط حکومت ملی دکتر مصدق پیشوای نهضت را به بند کشیدند و زندانها را از آزاد مردان انباشتند  
دادگاههای فرمایشی تشکیل داده و همراه با شکنجههای وحشیانه و کشتارها زمینه را برای تقسیم غنائم آماده ساختند  
اربابان سهم خویش را مثلا نهب میکردند آنها تشنه نفت بسودند کاردار سنارت اندلیس و مساون ریاست جمهوری آمریکا با ایران میآمدند تا نمره تلاشهای ملت ایران را بر باد دهند سکوت در میان مرفعیتی با مرگ نهضت برابر بود  
در این بیان دانشجویان دانشگاه تهران تصمیم گرفتند پرچم مبارزه را در میان برافراشته نگهدارند عوامل استعمار باور نمیکردند که پیروزیهای حکومت مصدق و مکتب مبارزه او جوانان را آنچنان آگاه ساخته باشد که باخبر خود از پیروزیهای نهضت دفاع کنند اما دانشجویان دانشگاه تهران در برابر خشم استعمارگران پیشتار پیکار شدند

در روز شانزدهم آذر فریاد خشم ملت از دانشگاه تهران برخاست  
دوخیمان که از روزهای قبل دانشگاه را مبدل به سرپا زخانه کرده بودند به دانشکدهها هجوم بردند  
برخلاف تمام سنن دنیا به کلاسها و کرسیهای دانشکدهها با تفنگ و مسلسل یورش بردند  
در چنین هنگامه ای بود که سه تن از فرزندان قهرمان ملت ایسران برادران ما بزرگ نیا - قندچی و شریعت رضوی را در دانشکده فنی بخاک و خون کشیدند  
محیط مقدس - دانشگاه بخون فرزندان شجاع آن رنگین شد  
اما پرچم مبارزه ملی برافراشته ماند و دانشجویان پاسداری از آتش مبارزه ملی را بعهده گرفتند  
حیات حاکمه از آنروز برنامه وسیعی برای محو سنگر مستحکم و شکست ناپذیر

دکتر مصدق مظهر ملت ایران و حبس و اسارت وی نشانه حبس و اسارت ملت کهنسال ایسران است

نهضت ملی ایران طرح ریزی کرد و کمر بر کینه دانشجو و دانشگاه بست امروز بحق میتوان گفت که دانشجویان - وظیفه خود را ملی یازده سال در مقابل ملت شریف و ستمدیده خود بخوبی ادا کرده اند . دستگای استبدادی در حائیکه میکوشند خود را قهرمان مبارزه بایسواد می و ظراح برنامه "جهاد برای پیشرفت" اعلام کند بی حیثیت تر از همه وقت متزلزلتر از همیشه تنها ماند هاست و دانشجویان جای خود را در قلوب ملت خود باز کرده اند و مورد احترام همه طبقات مردم هستند . در این مدت دانشجویان بارها تهاجم سربازان - جتر بازان و نیروی پلیس را تحمل کرده اند هزاران تن از ایشان به زندان ها کشیده شده اند از کلاس درس به سربازخانه ها رانده شده اند و استادان شریف آنها در دادگاههای فرمایشی محکوم شده اند اما همچنان بعنوان مظهر مقاومت ملت ایران پا بر جای مانده اند .

در این زمان که تمام ملتها از آسیا تا افریقا و پهنه آمریکا لاتین بر علیه ظلم و استعمار و استعمار نو میجنگند چگونه دانشجویان ایرانی میتوانند در مقابل رنج و عذاب روز افزون ملت خود سکوت کنند . آنها هیچگاه وظیفه مبارزه را دراموش نکرده و خشم و انتقام دستگاه دیکتاتوری را بجان خریدارند تا میراث شانزدهم آذر را پاسداری کنند . درود بفرمان پاک آزاد سردائیکه جان خود را بر سر ادامه نهضت ملی فدا ساختند .

XX

### "جهاد" دولتی برای "پیشرفت" استبداد و استعمار

سالیان درازی است که پیکر نحیف و ناتوان ملت ایران در زیر ضربات استعمار قرار دارد . استعمار برای آنکه انتقام نداد کاربها و قهرمانیهای ملت ایران را از وی بگیرد و آخرین آثار زندگی را نابود و کلیه منابع و دسترنج مردم ستمدیده را بتاراج برد در روز بنحوی اراحه نشار و ناراحتی تارهای بر قرار مینماید خفقانی که در سالهای اخیر بوسیله هیات حاکمه در ایران برقرار شده است یکی از انواع وحشیانه خفقانهائی است که در سخت ترین شرایط و بوسیله خشن ترین حکومتها بر سرزمینهای بیگانهائی که تحت تسلط آنها بوده است تحمیل میشده است . این حکومت ترور و وحشت همه آزادیهای سیاسی و امنیت فردی و اجتماعی را از ملت ایران سلب کرده است در ظلمت این خفقان قرارداد کنسرسیون منسقد گردید و مجالس فلاپی هجد هم نوزدهم بیستم و یکم ساخته و سرداخته شد . در چند سال اخیر عملیات ضد آزادی بنحو وسعتی شدت گرفته است . پانزدهم خرداد و قتل عام هزاران نفر از مردم بی پناه و بی گناه تهران و شهرستانها نوع تملیل یافته این عملیات و مقدمه آزادی کشیهای جدید بود . بدنبال آن همه دسانها را دوختند و همه قلمهای شکسته و نیم شکسته را سوزانندند . پیشوای ملت مصدق بزرگ بیست و یکم آذر سال است که در زندان استبداد و استعمار اسیر میباشد . اخیرا نیز رهبر روحانی و مجاهد ملت مسلمان ایران حضرت آیت الله العظمی خمینی را تبسید کرده اند . بسیاری از آزاد یخواهان و دانشجویان مبارزان و سال پیش در زندان بسر میبرند و برای آنها برخلاف قانون محاکمه ترتیب میدهند . برخی دیگر از دانشجویان را بعنوان تنبیه و بخاطر ارباب مبارزان شکست ناپذیر دانشگاه از کلاس درس به سربازخانه فرستاده اند . از آزادی و امنیت هیچگونه نشانی نیست . کاپیتولا سیون بطور شرم آور و بنحو شدید تری برقرار شده است و برای آنکه نسنهای آینده ماهم زیر بار قرع باشند و از فلاکت و بدبختی در نیابند جهت تجهیز ارتش وام ۲۰۰ میلیون دلاری از دولت آمریکا گرفته میشود .

حکومت ایران با پیش گرفتن سیاست اقه اادی غلط با بار گذاشتن درهای مملکت بروی کالاهای زائد خارجی با تعطیل کردن قسمت اعظم تعفیه خانه آبادان با توسعه بخشیدن حیرت آور ارتش و یجهیزات و تاسیات نظامی و بی توجهی نسبت به واحدهای عنعتی مفید ملی مملکت را به ورشکستگی کشانده است . با ایجاد هتلهایی چون هتل نیلتون و دهها فمارخانه و مهمانخانه ثروت کشور را به در میدهد اولیا حکومت در جنوب فرانسه و سویس مستغلات پرمغست برای خود بوجود میاورند در شرکتیهای کشتیرانی خارجی سرمایه گذاری میکنند و فریاد ملت دوستی و غمخواری طبقات رحمتکش را سر میدهند . نتیجه چنین سیاستی جز فقر و بیکاری همه افراد و طبقات مردم چیزی نخواهد بود در روزهای اخیر بحران بنحو خطرناکی بر سراسر شئون اقتصاد ملی مستولی شده است و فقر سیاه زندگی همه مردم را فرا گرفته است . کشاورزان بی بذرو آب و بی نان گروه گروه بد شهرها سرازیر

دموطنان از هر عنف و طبعه که هستید برای مقابله با تمشیقات و فشارهای سیاسی و اقتصادی دولت متحد شوید .

میشوند و برخیل بیکاران میافزایند . در این اوضاع و احوال حکومت با بشرفی هرچه تمامتر قیمت بنزین را محدود کرد و قیمت نفت را چهل درصد افزایش میدهد و در عین حال سازمان امنیت از برخی فروشندگان و تولیدکنندگان میخواهد که ظاهراً اجناس را ارزان کنند و نام این سروصدای مهوع را "جهاد ملی برای پیشرفت" ! میگذارد . باید برای شلاق زدن بر کردهای يك ملت ناتوان که بر اثر افزایش سرسام آور زندگی که نتیجه مستقیم سیاستهای اقتصادی خانمان برانداز حکومت است حدی فائل نند . افزایش قیمت بنزین بدون تردید نتیجه شریکاري عده بسیاری از رانندگان تاکسی و تحمیل طاقت فرسا به دارندگان تاکسی و اتومبیل های سواری است و موجب افزایش سریع بهای حمل و نقل شده و قیمت ارزاق را افزایش میدهد . دولت احمقانه خود را بنادانی زده و راب نه افزایش بهای مواد معنی را با دیگر مایحتاج زندگی ندیده میگیرد حال آنکه همه کس این مطلب را براحتی درک میکند که افزایش بهای این مواد تاثیر شدیدی بر قیمت مواد دیگر میگذارد و این تاثیر طبیعی است و در برخی موارد تاثیرات جنبه تصاعدی نیز بخود میگیرد . این روزها صحبت از اخذ مالیاتهای تازه است هر روز اولیا امور با خشم و کین فریاد میکشند و مردم را تهدید میکنند و رشکستگی اقتصاد که پایه های حکومت را متزلزل کرده است آنها را خشمگین میسازد . خزانه خالی مملکت را میخواهند با این فشارهای طاقت فرسا پر کنند دولت از اجرای قرانین خود در مورد پرداخت خت دفون کارمندان عتدا لخره میرود . کاسب و بازاری و کارگر و کارمند را بزیر تازیانه های مالی میگیرد لکن دیگر مردم ما طاقت تحمل ندارند حنجر زدن بر پیکر رنجور ملت ایران بس است . ظالم و جور و تعدی و چپاولگری دسترنج ملت کاسی است . علیرغم همه فشارها بحران ادامه خواهد یافت و رشکستگی اقتصادی حکومت ایران را از پای در خواهد آورد .

نمونه خانان همه از پیرو جوان روحانی و بازاری کارگر و کشاورز و کارمند و دانشجو و محمل باید دست بدست هم بدهیم و با اتحاد و اتفاق خود را از قید و بند این بدبختی ها بیرون آوریم . برادران دیگر زمان دست روی دست روی دست گذاشتن سپری شده است . هیچیک از ما قدرت تحمل فشار اقتصادی بیش از این را ندارد . اگر در مقابل روش مستبدانه دیا ت حاکمه دست بمقاومت یکپارچه نزنیم فقر و ورشکستگی حتمی است بسیاری از مابقی خانمان خواهیم شد و رشکست خواهیم شد و بخاک سیاه خواهیم نشست . باید متحد شد همه کسانی که از اقدامات غیر منطقی و بی بند و باریها تجمل پرستی ها و روشهای غلط اقتصادی حکومت ناراضی هستند باید با هم متحد شوند و با ایجاد تشکل در رهنف و همکاری و پشتیبانی اصناف مختلف از یکدیگر مطابق مصلحت ملک و ملت حکومت را ناگزیر با لغات از اراده ملت نمایند . اگر ملت یکپارچه شده و اراده بهتر زندگی کردن مطابق قانون و اخلاق و انسانیت داشته باشد به یمن پیروز خواهیم شد .

+++++

+++++

+++++

اعتصاب همه جانبه رانندگان تاکسی و کرایه

بدنبال دیه زمستانی رژیم "انقلاب سفید" مبنی بر آزاد یاد قیمت نفت و بنزین اعتصاب رانندگان تاکسی و کرایه در تهران و شهرستانها شایان توجه و اهمیت خاصی در مبارزات نهاد استبدادی ملت ایران است . همبستگی و اتحاد رانندگان و خدمتگزاران این اعتصاب چون بخاری بچشم دستگاه استبدادی خلیفه و نشان داد که مردم حاضر نیستند بیرون از این بار سنگین عواقب سیاستهای غلط اقتصادی حیات حاکمه را بدوش بکشند . رانندگان تاکسی و کرایه از خود میپرسند چرا کسر بودجه دولت باید یقیمت بی خانمان شدن ما تامین کرد ؟ در حالیکه در کشوری زندگی میکنیم که منابع عظیم نفت آن چرخهای صنعت اروپا را بگردش در میاورد . جای بسی حوشوفتی است که مردم راه مقاومت در برابر دستگاه دیکتاتوری را یافته اند و حاضر نیستند که از تعصبات ظالمانه بروی نمایند . دانشجویان همگام با سایر طبقات مردم همبستگی خود را با رانندگان تاکسی رایید در جهت حقوق خواسته های آنها اعلام نموده همچنانکه در اعلامیه مورخ ۴۳ / ۱ / ۸ سازمان دانشجویان جنبه ملی ایران بیان شد از هیچ کوششی در حمایت از آنها کوتاهی نخواهد کرد .

پیام دانشجو صدای نسل جوان ایران است . کوشش کنید پیام دانشجو بدست سایر هموطنان برسند

فرهنگیان در مبارزات خویش تنها نیستند

می‌تست که جراید از تسمیم وزارت فرهنگ به دو وزارتخانه بحث میکنند . بار معلوم نیست کدام نظرکرد های خوش  
 وزارت کرد هاست . دولت که در روز دم از سر فوجوی میزند با چنین اقداماتی بسنوان رفرم اداری به وجه کلانی  
 را به در می‌دهد در حالیکه از پرداخت حقوق و ترفیحات و مزایای معلمین و دبیران خود داری مینماید . در  
 حالیکه هزینه زندگی بطور کمرنگی افزایش مییابد دولت حتی از توانین رسمی خود شغلنا تخلف میورزد . هرکس  
 که داعیه فرهنگ دوستی و اجرای برنامه‌های مترقی فرهنگی را دارد باید بداند معلمین ستون ثنرات فرهنگ  
 هستند اولین قدم در راه اصلاح فرهنگ دسیسه باید تامین رفاه و آسایش این گروه زحمتکش و سرافتمند باشد .  
 عدم پرداخت مزایای قانونی فرهنگیان نشانه بارزی از دشمنی دیات حاکمه با معلمین شریف و شجاع است که علی‌رغم  
 کدیه فشارها و تسمیقات هنوز بو ظایف ملی خود کاملاً عمل میکنند . مسکلاتی که در روز با عدور بخشنامه‌های  
 مختلف برای آموزگاران و دبیران ایجاد میشود و کنترلی که بخشهای مختلف در مدارس برقرار کرده‌اند زمینه‌ایست  
 برای اینکه بتوانند قانون استخدام جدید را که مورد اعتراض فرهنگیان است بدون سر و صدا بمورد اجراء بگذارند  
 اما معلمین در خواستهای قانونی خود معصوم و پا برجا هستند و بخوبی میدانند که در راه احقاق حق حقوقی  
 قانونی خویش تنها نیستند . آنها مسکلتترین و پیچیده‌ترین راه رشد اجتماعی و انان به‌دیده دارند نسل جوان  
 همراه با تمام ملت ایران بارها نشان داده‌است که از خدمتگزاران صدیق و زحمتکش و در عین حال محروم خویش  
 با جان و دل پشتیبانی میکند .

XXXXXXXXXXXXXXXXXXXX

درود به همه دانشجویان - استادان و مبارزان دلاور که در زندان‌های رژیم استبدادی مبارزه خود ادامه  
 میدهند . درود به حضرت آیت‌الله طالقانی - مهندس بازرگان - دکتر سبحانی - داریوش فروهر - دکتر  
 نیسانی - علی بابائی - عاقلی زاده - منوچهر عسفا - ابراهیم نسل حکیمی - مهندس سبحانی - رادنیسا  
 دکتر عالی .

درود و افتخار به فریدون افتخاری ( دانشجوی پزشکی مشهد ) بسته نزار - شاملو - نیسانی ( دانشجویان -  
 حقوق ) برلیان - نرابی - مفیدی ( دانشجویان پزشکی ) مقدس زاده - مهدوی - نراقی و معراجی  
 ( دانشجویان فنی ) حاجی سیدجوادی - نیک صفت ( دانشجویان علوم ) نمازی ( پلو تکنیک ) یوسفی  
 ( دانشسرای عالی ) ننادیان ( داروسازی ) که در پشت مینه‌های زندان از شرف و حیثیت ملت ایران دفاع  
 میکنند .

درود و افتخار به انصاری - فیلسوف ( دانشجویان فنی ) انگستری - تقی زاده ( دانشجویان پزشکی )  
 کنکتی ( علوم ) ارنج زاده ( آرشیوتکت ) پاک نژاد ( حقوق ) یعتوی - سیگاری - عسگری - آفتاب‌سوی  
 و دوتن دیگر دانشجویان دانشکده کشاورزی که از کلاس درس به سرمازخانه اعزام شده‌اند و مظهر مقاومت دلیر-  
 انه دانشگاه در مقابل رژیم دیکتاتوری بشمار میروند .

=====

سوگند میخوریم :

به خون برادران شهیدمان بزرگ نیا - قندچی و شریعت رضوی قهرمانان جاودان مبارزات  
 نسل جوان سوگند میخوریم .  
 سوگند میخوریم : براه نهضت ملی و فادار باسیم - پرچم مبارزه را برافراشته داریم و راه مصدق  
 را تا پیروزی نهائی ادامه دهیم .  
 سوگند میخوریم : کین دشمنان نهضت را در دل بگیریم و در مبارزه همواره خستگی ناپذیر و  
 سرگند میخوریم نه‌رمانیهای شهدای راه آزادی و استقلال  
 ایران را آئینه راه خود سازیم و بخاطر رهایی ملت ستم‌دیده خود از جور ستم استعمار و استبداد از هیچ  
 کوششی فروگذار نکنیم . سوگند میخوریم در دانشگاه در مدرسه در کوجه و میدان در دشت و  
 کوه و صحرا در زندان‌ها در شکنجه‌گاهها و در پرتو شفق بیای جوبه اعدام آنی از مبارزه با دشمنان عامل  
 استعمار باز نایستیم .

پیشوای ملت و ملی شدن نفت  
 و - ارگان سازمان دانشجویان جنبه ملی ایران - اسفند ۱۳۴۳  
 " جنبه ملی مرکز اجزای و اجتماعات و دستجاتی است که برای  
 خود تشبیهاتی دارند و مراعی جز آزادی و استقلال ایران ندارند "  
 از نامه جناب آقای دکتر مصدق

پیشوای ملت و ملی شدن نفت

- " تا شرت نفت در ایران دست ملت ایران نخواهد توانست از  
 استقلال سیاسی و اقتصادی خود بفره مند شود و آرزو می‌تورم  
 روزی فرارسد که ملت ایران بتولند این زنجیر بدبختی و این  
 لکه اسارت و عبودیت را پاره کنند ."
- از نطق دکتر مصدق هنگام این قانون ملی شدن نفت در مجلس  
 شورا سه شنبه ۲۲ اسفند ۱۳۲۹
- " تنها گناه من و گناه بزرگ من اینست که منعت نفت ایران را  
 ملی کردم و بساط استعمار و اعمال نفوذ سیاسی و اقتصاد ی  
 عظیمترین امپراطوری جهان را از این ملت برپیده ام "
- قسمتی از آخرین دفاع دکتر مصدق در دادگاه نظامی سلطنت  
 آباد .
- ۱ - پیشوای ملت و ملی شدن نفت
- ۲ - تاریخچه مختصری از نفت ایران
- ۳ - اخبار
- ۴ - تفسیر خارجی - برنامه های

تاریخچه مختصری از نفت ایران

تاریخچه نفت ایران نمونه گویایی است از دسیسه ها و جنایات  
 بی شماری که بدست استعمار و امپریالیسم برای اسیر کردن ملتها  
 و تصاحب ثروت ملی آنها انجام شده است و میشود .

در سال ۱۹۰۱ ویلیام د ارسی با دخالت مستقیم دولت انگلیس موفق باخذ امتیاز کشف استخراج و فروش نفت ایران بولی  
 مدت ۶۰ سال شد . در سالهای بعد دولت انگلیس بنا بر گردانی پرمیل اکثریت سهام نفت انگلیس و ایران را خریداری کرد  
 امتیازنامه د ارسی از نارسا و حقوقی و بی مصلحتی نداشت و نقاط ضعفی از نظر رقابتهای جهانی داشته و در یک شرایط  
 مساعد ملتی بود مورد تهدید ملیون قرار گیرد بهمین جهت پس از کودتای استعماری ۱۳۰۹ و تحمیل قدرت بر شاه  
 امپریالیسم انگلستان بفر ت تحمیل مواضع حقوقی امتیاز شرت نفت انگلیس و ایران افتاد مخصوصا اینکه بپس از سی سال از  
 مدت امتیاز گذشته بود . بنا بر این امپریالیسم انگلستان در موقعیت تسلط دینتاتوری بیست ساله برای تحمیل وضع حقوقی  
 شرت و تمدید مدت امتیاز موفق را مناسب یافت . ایندار با مانورهای تو خالی دسته استبدادی شروع شد . بدینمنی که در  
 آذر ۱۳۱۱ دولت وقت ملی نامه ای امتیاز د ارسی را بدلیل عدم تامین منافع ملت ایران لغو نمود . پس از ارجاع این  
 مسئله از طرف انگلستان جامعه ملل در بمبائرات دو جانبه کشید و سرانجام قرارداد ننگین ۱۹۳۳ ( ۱۳۱۲ ) منعقد  
 شد و معلوم گردید که همه مانورهای دستگاه استبدادی با اشاره خود انگلستان و برای جلوگیری از عدسالمطای بیسن  
 المللی بویژه عدسالمطای درصایه شمالی بوده است . عقد قرارداد ۱۹۳۳ علاوه بر تحمیل وضع حقوقی شرت مدت قرارداد

را بیش از ۳ سال تجدید و موجبات تجدید را بر طرف کرده در باره نحوه انعقاد این قرارداد بود که تقی زاده (وزیر دارائی زمان انعقاد قرارداد) در مجلس پانزدهم چنین گفت " مایعده مسلوب الاختیار بودیم ... بنده در این باره اصلا و ابدا هیچگونه دخالتی نداشتم جز اینکه امنای من پای آن ورقه است و آن امضا به مال من بود و به من امتناع میدردم و مال کسی دیگر بود و لابد حتماً بی فوری امضا میدرد یعنی نوع تضمینی را در آنجا واقی و بهر حال میشد موجب نمیکشت و امتناع بی از امضا اگر امتناعی صحت بود در اصل موضوعی یعنی انجام آن امر یعنی تأثیری و لوبقصد در خردلی نداشت. من شما بی وقت را نمی بینم مدت نبودم و دیگران هم نبودند و اگر قبضه در این باره استنباطی بود تقصیر آلت فعل نبوده بلکه تقصیر فاعل بوده " بدین ترتیب امریالیسم انگلستان مقرر شد که با استغاده از دینتاتوری رضاشاه موفق شود در نفت ایران مستحک ساختن و جنگ دوم جهانی و وقایع شهریور ۱۳۲۰ بصورت پایا دینتاتوری بیست ساله و آتصفر جدید بین المللی زمینه بسیار مساعدی برای گسترش مبارزه ضد استعماری ملت ایران بوجود آورد. برای اولین بار در تاریخ ایران در مجلس ۱۴ دستور مصدق با استفاده از موقتیتی که مذاکرات دولت وقت با نمایانهای آمرینائی و تقابلی دولت شوروی در مورد نفت شمال پیش آورده بود از تریبون مجلس <sup>لیسم</sup> انگلیس را بیای معاهده نشید و ضمن مخالفت با دادن در نوع امتیاز منار قرارداد ۱۹۳۳ و فشار و تضمینات امریالیسم انگلستان را فاسد و برود ساخت و استیقای حقیقی ملت ایران را از نفت جنوب خواستار شد. از آن زمان مبارزه با شریت نفت انگلیس و ایران و از بین بردن امتیازات استعماری نفت محور مبارزات ضد استعماری ملت ایران قرار گرفت. اهدافی به شمار ملی شدن نفت در سراسر کشور با انحصار نیرومند خود بمبارزه ضد استعماری ملت ایران جهت مشخصی داد امریالیسم انگلستان و نوردان داخلی آن همه کوشش خود را برای جلوگیری از پیروزی شمار ملی شدن نفت در سراسر کشور بحمل آوردند. گروهی از این نوردان چون همزیر دستان و رزم آرا همان خود را در این راه باختند. در زیر فشار شدید افکار عمومی که تحت هدایت دستور مصدق جریان داشت و تضاد موجود بین امریالیسم انگلیس و امرینا مجلس ۱۶ که اشرفیت آنرا نوردان امریالیسم انگلیس تشدید میدادند سرانجام پس از ماهها کشش و برخورد در ۲۱ اسفند ۱۳۲۶ قانون ملی شدن نفت در سراسر کشور را که بابتبار دستور مصدق تنظیم شده بود باتفاق آرا مورد تصویب قرار داد. بدین ترتیب قدم مهمی برای خورد کردن مواضع امریالیسم انگلیس برداشته شد ولی معلوم بود که مهمترین قدمها در پیراست اندلی بجد یعنی در ۲ اردیبهشت ۱۳۲۰ برای اجرا قانون ملی شدن نفت دستور مصدق بنحیث وزیر رسید. دستور مصدق توانست با اتکا با افکار عمومی و استفاده از تضاد موجود بین امرینا و انگلیس آنقسمت از قانون که ماده ای را در متوجه غلطید و اخراج جاسوسان انگلیسی بود در کمتر از ۲ ماه با موفقیت بانجام رساند ولی بدلیل انحراف امریالیسم امرینی تحت دارگردانی امرینا و انگلیس موفق نشد که نفت ایران را ببازارهای جهانی عرضه کند. امریالیسم امرینا که در دوره اول مبارزه برای ملی شدن نفت یعنی در دوره ای که محتوی قهری آن متزلزل کردن مواضع رقیب و اخراج انگلیسیها بود و مستقیماً نفخ داشت رویه موافقت آمیزی نسبت بنهضت پیش گرفته بود. امرینا تصور میکرد که میتواند از این راه به دست دیرینه خود به عبارت از نفوذ و شریک در منافع ایران بود. جامه عمل بپوشاند ولی خیلی زود معلوم شد تا زمانیکه دستور مصدق در راس نهضت قرار دارد پنجم امری محال است. در این نکته بود که استعمار امرینا در کنار استعمار انگلیس متحدان با اعمال فشار علیه دستور مصدق پرداخته و بهر زمان با آن عناصر ضد ملی و عوامل ارتجاع بمبارزه علیه دستور

مصدق دست زدند. و خائنین و منافقین چون بقائی... دانشانی... شایسته و دیگران... چهره های واقعی خود را نشان دادند. پس از تضعیف موقع انگلیس در ایران و اجبار انگلیس در جلب حمایت امریکا در ازای قبول منافعی برای امریکا در نفت ایران ( که بصورت رسمی در فروردین ماه ۱۳۳۰ در سفرائی مقامات عالیرتبه امریکا و انگلیس در واشنگتن اعلام شد ) امریکا و انگلیس متعهدا با اعمال فشار پدید آوردند. اگر چه همیشه از نظر تالیف و دست داشتند. پس از خلع ید امپریالیسم امریکا در کنار امپریالیسم انگلستان عمل میگرد و حتی در دادگاه لاهه با وجود رای موافق قاضی - انگلیس قاضی امریکا علیه ایران رای داد. امریکا و انگلیس برای ترمیمی نظرات خود بدتر صدق و از بهار او به جدول از قانون طو شدن نفت بفشار ای گوناگون متوسل شدند. تمام شی نیست است پیشنهاداتی که از طرف بانک بین المللی ویا مستقیما از طرف امریکا و انگلیس داده میشد. مستلزم عدول از قانون ملی شدن بود و همه آنها مستلزم شدت سرمایه های امریکائی در کنار سرمایه های انگلیسی در منافع نفت ایران بود. پیشنهاد بانک بین المللی آنقدر مورد عذقه امریکا بود که در ۲۱ اسفند ۱۳۳۰ وزارت خارجه امریکا ادامه بحث بدولت بدتر صدق را موقوف بقبول پیشنهادات بانک بین المللی کرد. باتوجه باین فشارها بود که بدتر صدق در وضع بسیار نامساعد بین المللی و در شرایط توانه و غمگینانه مجبور شد سیلست اقتصاد بدرون نفت را در پیش گیرد. چنانچه بدتر صدق در گزارش رادیویی خود در ۲۱ اسفند ۱۳۳۱ گفت " پس از اینکه معلوم شد بانک بین المللی بیطرف هم خود را با اصول حقوق بین المللی آشنا نمینند و دول بزرگ هم منافع خود را بهر پیش آمدی قربان میدهند باین نتیجه رسیدیم که ملت ایران برای پس بردن مقام ملی خود باید بپیر از اینها فدائاری کند و اینرا آنبشریات خود را غنیمت برنامه شده های در ۲۳ فروردین ماه ۱۳۳۱ که متضمن اصلاحات بودجه ای و اذاری و افزایش سنج تولیدات کشاورزی و صنعتی و صرف نظر کردن از درآمد نفت بود با آقایان نمایندگان دوره ششم در میان گذاشتم. " بدین ترتیب سوسه حقوق بدتر صدق در منافع و بهیبت ملی موجب شد که جبهه مرتجعین داخلی و استعمارگران انگلیسی و امریکائی دست بپندین توطئه مانند سی ام تیر نم اسفند و غیره علیه حاکمیت دولت ملی زده و سرانجام پس از شدت های متعدد در کودتای بیست و هشتم مرداد بهر فحاشانه بود رسیدند و در شرایط مخفقان زمین که برجا آمده بود تقویا بود قرارداد امنیتی سیج اصل مبارزات ملت ایرانرا بباد داد. از آن پس نیز بارها و ببارج بر منافع نفتی ما زده شده است. لکن ما اطمینان داریم که سرانجام مبارزه بد استعماری ملت ایران منافع نفتی ما را از دستبرد استعمارگران مصون خواهد داشت.

### اخیرا

بدنبال توقیفها و ممانعت فرمایشی اخیر روز سه شنبه هفته گذشته در آنگاه نادری شماره ۳ ارتش عده ای دیگر از مبارزان را مایوم ساخت. مجتبی مفیدی دانشآموز دبیرستان دربی ۳ سال - مهدی شاملو دانشجوی حقوق ۲ سال - رضا خمینی دانشآموز ۱۶ ساله ۲ سال - جلیلی ضرابی دانشجوی پزشکی ۴ سال - جهان محمود مقدم ۱ سال - دتر عالی ۲ سال - تقی نیلفروشان دانشجوی داروسازی ۱ سال - مهدی خدایی دبیر ۲ سال

منوچهر شجاع دانشجوی مبارز دانشنده حقوقی از طرف دادوسی ارتش اخبار و بازداشت گردید.

# پیام دانشجو

از زبان سازمان دانشجویان و دانشجویان شهرستان تبریز

جبهه ملی مرکز احزاب و اجتماعات و دستجاتی است که برای خود تشکیلاتی دارند و تمامی جز آزادی و استقلال ایران ندارند.  
از نامه جناب آقای دکتر مصدق

تیر ۱۳۴۴

بها ۵ ریال

یاری از قیام خونین تیر ماه و تجارب بزرگ آن سیزده سال پیش در روزهای آخر تیر ماه ۱۳۳۱ امپریالیسم جهانی بدست ارتجاع داخلی و نوکران گونش بفرمان یکی از توطئه های بزرگ خود را بر علیه دولت ملی دکتر مصدق و نهضت ملی ضد استعماری ملت ما مرحله عمل در آورد. امپریالیسم انگلیس و امریکا که از فشارهای گوناگون خود برای اجبار دکتر مصدق به عدول از قانون ملی شدن نفت و تسلیم او به نظرات استعماری آنها طرفی نیسته بودند و ارتجاع داخلی و عوامل استعمار که ادامه حکومت دکتر مصدق را بزیان منافع پلید خود میدیدند این بار تصمیم گرفتند که با مانور بیشتر مانه ای نهضت ضد استعمار ما را از داخل مواجهه با شکست قطعی سازند در حالیکه دکتر مصدق برای دفاع از منافع ملت ایران در دیوان دادگستری لاهه در خارج از کشور بسر میرد عمال امپریالیسم در داخل مقدمات توطئه بر کفاری او را فراهم میکردند چنانکه دکتر مصدق در نطق رادیویی خود در ۲۹ اسفند سال ۱۳۳۱ خاطر نشان شد. وقتی در ۳ تیر ماه ۱۳۳۱ از لاهه بتهران آمدم کشور عزیز را اشفته و آنرا صحنه ای از تحریکات سخت عمال اجنبی بر ضد دولت یافتیم این بود که در ۲۶ تیر ماه ۳۶ یعنی موقعیکه قضات لاهه مشغول شور در تهیه رای خود بودند ناچار به کنار گیری از کار گشتم. دکتر مصدق بحق و بجا برای جلوگیری از نفوذ و طلبکارانه ارتش میخواست که مسئولیت وزارت جنگ را خود به عهده داشته باشد ولی این خواسته مورد موافقت شاه قرار نگرفت و بدین ترتیب دکتر مصدق ناچار به کناره گیری شد و بلا فاصله فرمان نخست وزیری بنام احمد قوام این نوکرخانه زاد امپریالیسم انگلیس صادر شد. امپریالیسم انگلیس و امریکا خوشحالی فوق العاده خود را از این انتصاب پنهان نمیکردند زیرا احمد قوام از نوکران وفادار و مطمئن آنها بود وقتی مدرسین سفیران روز امریکا در ایران قبل از معرفی کابینه به ملاقات قوام رفت و با وعده کمک و مساعدت داد و باین ترتیب نقش و سیمای واقعی امریکا که همیشه در استتار آن کوشیده بود برای همه مبارزان نهضت ملی ایران روشن گشت. قوام با نقش یک دولت باصطلاح با "قدرت" کار خود را با تهدید و ارعاب نیروهای مردم آغاز کرد ولی مقاومت قهرمانانه مردم ایران در سنی تیر فراموش نشدنی بود و بهمه اربابان داخلی و خارجی او داد و پوزه این عامل سیاه استعمار را بسختی بخاک مالید.

ملت ایران که سر نوشت نهضت ملی و ضد استعماری خود را مواجهه با خطری بسیار جدی ندیده بود مصمم و متحد و یک پارچه بپاخواست. حمایت ملت ایران از زمام داری دکتر مصدق دفاع از شرف و حیثیت ملی بود و الحق در صحنه های خونین نبرد یکه در ۳۰ تیر ماه در بسیاری از شهرهای ایران جریان یافت ملت ایران لیاقت پر ارزش خود را برای پاسداری از شرف ملی خویش بخوبی ثابت کرد. عمال اجنبی برای درهم شکستن صفوف متحد ملت ایران که قهرمانانته بدفاع از نهضت ملی بر خواسته بود و خواستار زمامداری مجدد دکتر مصدق بود ارتش را با توبی تسانک بجنگ مردم فرستادند. در تهران، اصفهان، آبادان، اهواز، تبریز، قم و بسیاری از شهرهای دیگر کارگران و روشنفکران پیشه وران و زحمتکشان زنان و مردان دوش بدوش هم با ایمانی راسخ بمقاومت برخاستند. همه جای ایران در غلیان بود از مرگوشه وطن رنج ندیده ما آوای نیرومند شعار "ملت مصدق را میخواهد"

دکتر مصدق مظهر ملت ایران و حبس و اسارت وی نشانه حبس و اسارت ملت کهنسال ایران است.



و مرگ بر قوامها\* طنین افکن بود. عزم راسخ مردم بمقاومت و وحدت ملی نظیر صفوف ملت ایران در مقابل با حکومت پویشالی قوام و شدت مبارزه خونین مردم ارتجاع و امپریالیسم را بسختی وحشت زده ساخت و آنها پس از ریختن خون صدها مبارز نهضت ملی ایران در مقابل نیروی متحد و مصمم مردم بعقب نشستند و بالا چهار با شرایط دگر مصدق موافقت کردند و انجام توطئه های ننگین خود را بر ضد نهضت بفرصت مناسب دیگری موکول کردند.

امروز پس از گذشت ۳ سال جا دارد که همه رزمندگان نهضت ملی ایران و همه مبارزان ضد استعمار و ضد استبداد تجارب بزرگ تیر خونین را دقیقاً مورد بررسی قرار دهند. این تجارب برای مبارزه کنونی ما ارزش فوق العاده دارد و کمک بسیار بزرگی در انتخاب استراتژی و تاکتیک های مناسب میتواند باشد. امروز آنچه بیش از همه باید از تجارب قیام تیر ماه مورد توجه قرار گیرد موضع و موقع نهضت در مقابل ارتجاع و امپریالیسم است.

اساس موضع گیری در قیام تیر ماه بر عزم و اراده جدی نیروهای نهضت ملی و ضد استعماری بمقاومت در مقابل ارتجاع و امپریالیسم در مسیری درست و منطبق با ضرورت های نهضت و تاکتیکی متناسب با عملیات دشمن قرار داشت.

در تیر ماه ۳۱ تصمیم بمقاومت فوراً آشکار شد و برای اعمال این تصمیم تاکتیک و مسیری کاملاً درست اتخاذ شد که ضرورت مبارزه ملی بنحو مثبت پاسخ میداد و با موقعی که دشمن داشت و با حالتی که بخود گرفته بود متناسب بود.

اساس تاکتیک و مسیر قیام خونین تیر ماه بر روی استفاده و تمنا استوار نبود بلکه بر پایه پاسخ قدرت با قدرت اتکا داشت و عمین واقعیت موجب شد که:

اولاً. امر بسیج نیروهای ضد توطئه سرعت انجام گیرد و مردم بشکل متحد و وسیع بصیدان کشیده شوند و آمادگی شدیدی برای گسترش مقاومت و از دیار قدرت تحرك خود نشان دهند.

ثانياً ارتجاع و امپریالیسم که همیشه در مقابل مردم به تب راضی میشدند. "خیلی زود وحشت زده از مقاومت شجاعانه و سر سخت مردم و بیمناک از گسترش تحرك و خواسته های مبارزه مجبور بتسلیم شدند. اگر در سی ام تیر ماه آن مسیری که منافقین و خائنین به نهضت ملی نظیر دگر بقائی که هنوز نقاب از چهره سیاه خود برنداشته بودند به نهضت تحمیل میشد و بجای مقابله مثبت و متحرك با نیروهای ارتجاع در کوچه و خیابان و میدان و بجای پاسخ قدرت با قدرت پیشنهاد دگر بقائی قبول میشد که "مردم به خانه های خود بروند و در پشت بامها بر ظروفی بکوبند"

ثمرکز پیروزی سی ام تیر ماه بدست نیامد آری پیروزی درخشان تیر ماه ۳۱ و وحدت صفوف ملت و یکپارچگی طبقات مختلف ملت در جریان قیام و عقب نشینی مقتضحانه عوامل امپریالیسم و ارتجاع باین دلیل بود که نیروهای نهضت ملی و ضد استعماری ملت ما اراده مقاومت خود را بر اساس تاکتیکی درست بمردم ارائه کردند و بدلیل صحت تاکتیک مورد استقبال توده مردم قرار گرفتند و از همین علت شکست نهضت در ۲۸ مرداد آشکار میشود. شکست موقت نهضت در ۲۸ مرداد همچون سی ام تیر ماه اراده مقاومت در مسیری درست ارائه میشد "ملت سی ام تیر" نمرده بود و بعید نبود که این توطئه نیز در هم شکسته شود.

شکست ۲۸ مرداد بدلیل عدم وحدت و یکپارچگی نیروهای مردم نبود زیرا اراده مقاومتی بروز نکرد تا عدم وحدت صفوف ملت موجب شکست آن مقاومت شده باشد در حالیکه تکامل شرایط از سی ام تیر ماه ۳۱ تا ۲۸ مرداد ۳۲ حتی تفاهم و روشن بینی بیشتری در ینگانگی بر ضد ارتجاع و استعمار بوجود آورده بود.

پیروزی سی ام تیر ممکن شد زیرا اراده مقاومت و تاکتیک مناسب برای اعمال این اراده بجامه ارائه شد و جامعه را بدنیال خود کشاند و عمین مسئله محتوی یکی از درسهای بزرگ نهضت ضد استعماری ملت ما را تشکیل میدهند.

تاریخ می آموزد که بسیج و وحدت نیروهای مردم بدون ارائه یک مسیر درست و تاکتیکی که عمیقاً به ضرورت نهضت جواب بگوید و بواقعیات جامعه متکی باشد ممکن نیست. بسیج نیروهای مردم برای مبارزه با استبداد و استعمار و ایجاد وحدت و یکپارچگی بین آنها فقط در جریان عملی مبارزه که در محور تاکتیکی درست حرکت کند ممکن است.

دگر مصدق مظهر ملت ایران و حبس و اسارت وی نشانه بس و اسارت ملت کهنسال ایران است.

بسیج نیروهای مردم و متحد ساختن آنها فقط در صورت ارائه زمینه عینی و مشخص عقلی امکان پذیر است عدم درک این درس بزرگ تاریخ است که عده ای را نسبت به مردم و نیروهای پر توان آنها فقط بی ایمان کرده است و بآنجا این جسارت جامعانه را با بخشیده که به توده های مردم "بد" بگویند و ارزشمندی آنها را مورد تردید قرار دهند .

در حالیکه نقش در مغزهای علیلی است که قادر بدرك قوانین تاریخ و تجربه اندوزی از درسهای تاریخ و تطبیق آن با شرایط مشخص جامعه ما و فهم ضرورتهای مبارزه ملی ما نیستند .

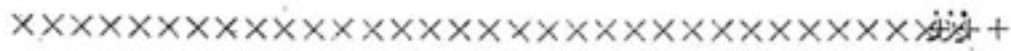
مبارزان نهضت ملی ایران ، ملت "سی ام تیر" هنوز نمرده است همه واقعیات نشان میدهند که دستگاه استبدادی و استعماری که از ۲۸ مرداد ۳۲ سایه شوم خود را بر میهن ما افکنده است قادر به حل تضادهای عمیق گوناگون جامعه ما نیست قادر نیست که تسلط جابرانه خود را ادامه دهد . زمین زیر پای آنها میلرزد .

مواد شایسته ماههای اخیر بوضوح نشان میدهند که دستگاه استبداد نتوانسته روح مقاومت ملت سی ام تیر را نابود کند . زندانیها ، اعدامها و کشتارها قادر نشد مبارزان نهضت ملی ایران را بتسلیم وادار کند بلکه هرروز گروههای تازه تری بجمع مبارزان ضد استعمار و ضد استبداد و وطن ما میپیوندند .

حوادث سالهای اخیر نشان میدهد که ملت ما آماده پیکار با پاسداران استبداد ؟ استعمار است باید کوشید که بادرك عمیق تجارب خونین نهضت بویژه تجارب قیام تیر ماه آحادی ملت را در مسیری درست و منطبق با ضرورتهای مبارزه ملی شکل دهیم و انرژی ملت خود را در کوره راه های بی سر انجام بیهوده عاقل نسازیم . در جائیکه همه درهای دموکراسی بروی مردم بسته شده است کمک به پیدا کردن زبانی که برای يك دستگاه قلدز و جبار و قانون شکن قابل فهم باشد مهمترین وظیفه مبارزان نهضت ملی است .

مبارزان ملی ایران ، صفوف خود را متحد کنیم . هوشیاری خود را افزایش دهیم . تاریخ با حرکت درنگ نا پذیر خود پیش میرود . دنیا با آخر نرسیده و شکستها و عقب نشینیهای موقت مانع از رسیدن فرصتهای جدید نیست برای استفاده از فرصتهای تاریخی خود را آماده سازیم . اکنون ما در آستانه چهاردهمین سالروز قیام سی ام تیر ماه يك بار دیگر با شهیدان خونین کفن تیر ماه میثاق دیرینی را تجدید میکنیم " پیمان میندیم که همچنانکه در این سیزده سال ما آنها نفر از مبارزان نهضت ملی ایران در زندانها و شکنجه گاهها و در صحنه های کشتار و میانهای اعدام پریم خونین نهضت را قهرمانانه بر افراشته داشتند راه در شان آنها را ادامه دهیم " شعله های ایقان بمبارزه و ایمان بحقانیت راه نهضت ملی ایران و ایمان به پیروزی حق رار باطل همچنان پر فروغ نگه داریم .

ما بروان قتلگاه شهیدان تیر خونین درود میفرستیم . قهرمانی آنها و همه شهیدان نهضت ملی بما نیرو میبخشد که راه دشوار پیروزی را با جسارت و فداکاری بپیمائیم و در این راه همچنانکه پیشوای زندانی ملت گفته است ، از هیچ مشکلی نهراسیم .



جبهه ملی سوم

در اواسط تیر ماه جبهه ملی سوم موجودیت خود را اعلام و حیات خویش را آغاز کرد . سازمان دانشجویان با ابراز خوشوقتی از اینکه سر انجام کوشش نیروها در راه تشکیل جبهه جدید بشمر رسید چون بر طبق اصل چهارم اساسنامه خود با جبهه ملی ائتلافی بستگی دارد لازم میدانند مطالبی را پیرامون موقعیت نهضت ملی ایران یاد آوری کند تا سهم خویش را در مشخص کردن راه آینده جبهه ملی ادا کرده باشد .

تشخیص موقعیت هر نهضت ملی و آزاد بینش بدون شناختن هدفها و آشنائی با روشها و تاکتیکهایی که برای رسیدن بآن هدفها برگزیده میشود ممکن نیست . و انتخاب هدف و روش نیز بطور یقین در صورتی میتواند نتیجه بخش باشد که با شناخت کیفیت و ترکیب جامعه برگزیده شده باشد . طبیعی است که نهضت ملی ایران نیز از این اصل کلی مستثنی نبوده و باید با توجه به ملایحتمان جامعه ایرانی هدفها و تشکیلات خود را پی ریزی کند و روشها را چنان برگزیند که با نیازهای مبارزان نهضت قابل انطباقی باشد .

همه مبارزان بدون اختلاف نظر معتقد هستند که کشور ما بیک جامعه استعماری است . استعمار بر بعضی شئون کشور ما با همان شیوه و شکل قدیمی و بر برخی دیگر با ماسکهای ظاهر فریب حکومت میکند .

آنچه سیطره استعمار را در کشور ما معان ساخته و امکان حیات با آن عید دهد دستگاه استبدادی حاکم است که با پول و زوریکه اربابان در اختیارش میگذارند باروئهای غیر انسانی توده کشور ما را بصورت تهیه کننده مواد خام و مصرف کننده کالاهای ساخته شده در آورده است و همیشه در این حد نگاه میدارد و از این راه جیب خود و عمال و اربابان را پر پول میکند. اقتصاد استعماری - فرهنگ و آموزش سیستم اداری و بنیاد اجتماعی حاکم بر جامعه ما را نیز برنگ خود در آورده است و آنها را بخدمت خود در آورده و بعلمت همین تحلیل است که همه نیروهای مبارز در این هدفند ایران باید آزاد و مستقل باشد مشترک هستند و در کنار هم برای آزادی و استقلال ایران پیکار میکنند. این پیکار درد و جیبه خارجی و داخلی که مردم و بهم پیوسته هستند و هر یک میتواند در مرتبه علت برای دیگری قرار گیرد باید تواما جریان پیدا کند. مبارزه بخاطر آزادی مردم از چنگ استبداد و بخاطر استقلال ایران از چنگ استعمار چون به حیات این در بستگی دارد آنها بناچار در برابر نهضت ملی ما دست در دست هم توسط مزدوران داخلی خویش ایستادگی میکنند و اگر هم تضادی در این میان بین کشورهای استعماری وجود داشته باشد زمانیکه منافع حیاتی آنها از جانب نهضت ملی ما تهدید شود اختلافات را فراموش کرده با هم بر ضد نهضت متحد میشوند چنانکه در تاریخ مبارزات مردم ما نشانه های زیادی از این اتحاد نامیون و از خوش باوریها و کوه بنیبهای بعضی مدعیان مبارزه بچشم میخورد.

مرز نهضت ما با کشورهای مشخص است و آن مرز پیکار و قهرستیز است چنانکه با دستگاه استبدادی دست نشانده آنها نیز جز این مرز و حدی نداریم. اینست مدعی که بطور مشخص امروز در برابر ما استبداد این میان در گونه آشتی و فرصت طلبی نا بخشودنی و خیانت به نهضت ملی ایران بشمار میرود. مرحله مهم بعد از انتخاب مدافعان و تاکتیک مناسب است. این تاکتیک باید با توجه به روحیات و مکانیسم اجتماع پیش گرفته شود و مبارزه را در مسیر مناسب پیش برد شمارها باید برای توده مردم قابل درک و لمس بوده با منافع روزانه و آب و نان آنها بر خورد داشته باشد. رهبری نهضت زمانیکه منافع و احساس توده ها را در نظر نگیرد توده ها نیز او را فراموش میکنند چنانکه تاریخ نیز او را بدست فراموشی میسپارد اصل مسلم پیروزی نهضتها اینست که از فکر نهضت با فهم مردم برای ملت استفاده شود. جدا شدن از مردم و از چهار دیواری منافع و ضرورتهای جامعه برای رهبری در نهضت بمنزله انتحار است. وقتی از یک شمار انقلابی یا تاکتیک انقلابی صحبت میشود صفت مشخص آن حتما قهر آمیز بودن آن نیست بلکه شمار و تاکتیک که بنیاد های حاکم بر جامعه را مورد حمله قرار دهد و آنها را فروریزد و بنیاد استواری بر جای آن بگذراند در حد خود یک شمار انقلابی است و اینگونه بنیاد های استعماری نادرست در جامعه مافراوان بچشم نیخورد که میتواند زمینه وحدت و یکپارچگی نیروها را در برابر استعمار تامین کرده و منافع استعمار را مورد حمله قرار دهد و دستگاه استبدادی را نیز تضعیف نماید. باید توجه داشت که جامعه ما امروز با درک و قیاسی که اتفاق افتاده است بکام یک از روشهای مبارزه نیاز دارد و برای فداکاری تا کدام سرحد خود را آماده ساخته است. و سپس این نیازها را در مسیر مناسب خود بحرکت در آورد. همین نانگ بلند پروازیهای رهبری - نهضت نهضت را از توده ها جدا میکند عقب ماندگی - محافظه کاری و فرصت طلبی نیز نهضت را بنا بر روی میگذراند مردم چنانکه در این مدت دیدیم بانتظار نمینشینند اگر حس کردند رهبری محافظه کار است و ضرورت زمان را تشخیص نمیدهد. خودشان با درک و تشخیص خویش اقدام میکنند و دست بکار میشوند باید مردم و خواسته های آنها توجه داشت و برای حل مشکلات و نا بسامانیهای زندگی آنان راه صحیح را نشان داد زیرا تنها در این صورت میتوان از آنها انتظار همکاری و همکاری با نهضت را داشت.

نتیجه اینکه محتوی نهضت ملی ایران جنبه ضد استعماری و ضد استبدادی آنست و در این راه با تمام بنیادها و زوایا استبدادی حاکم بر جامعه باید پیکار کرد و راهی را که برای پیروزی باید پیمود راهی است که ضرورتها و نیازها جامعه آنها مشخص میکند نه راهی با توجه به کیفیات روحی تشایلات خود مردم نمایان میدهند. سازمان دانشجویان که صمیمانه مصمم به همکاری با جنبه ملی سوم است ارزش دارد که اینبار بر کار مبارزه اخلال و اختلاقی از داخل روی ندهند و روش جنبه ملی راه سعادت و پیروزی ملت ما را فراهم سازد انتظار ما اینست که این بار مبارزه حیاتی ملت ما بصورت تفنن در نیاید و ارزش و ضرورت آن آنچنانکه هست مورد توجه قرار گیرد بر اینصورت

مپیروزی جنبه ملی با همکاری همه نیروهای مبارز بدون تعصب و کتفه بینی قطعی است .

+++++

خیمه شب بازی دادگاههای نظامی

مدتیست که محاکمه فرمایشی يك امیر و سه افسر ارتش که شجاعانه و بر حسب وظیفه وجدانی از سران نهضت آزادی ایران در دادگاه دفاع کرده اند ادامه دارد . این چهارتن عبارتند از ، سر تیپ مسعودی سر هنگ عزیزاله امیر رحیمی - سر هنگ علی اکبر غفاری - سر هنگ اسمعیل علمیه . گرچه دادستان در متن کیفرخواست " ( اتهام را تحریض مردم بحدیث با حکومت ملی و اهانت بر رئیس مملکت ) " ذکر کرده است ولی واضح است که این چهار نفر را بخاطر دفاع از آزادی و قانون و بخاطر پاسخ مثبتی که بندای وجدان بیدار خویش داده اند بمحاکمه کشید ه اند . محاکمه این چهار نفر مفتضحانه ترین عملی است که دستگاه دیکتاتوری بوسیله سازمان قضائی ارتش انجام میدهد . دستگاه قضائی ارتش تا کنون حکم ریختن خون بیگناهان بیشماری را صادر کرده است و موجب اعدام و تیر باران بسیاری از فرزندان قهرمان وطن ما گردیده است و این بار با محاکمه وکلای مدافع بجرم دفاع از موکل خود و پیش پرونده کشیف و ننگین خود را کامل میکند .

آنچه مستندات کیفرخواست دادستان را تشکیل میدهد نامه های استکه سازمان امنیت در باره سوابق و کلاهی مدافع رهبران نهضت آزادی ایران بدادستانی ارتش نوشته است دقت در متن این نامه ها نشان میدهد که دستگاه دیکتاتوری چگونه در برابر کوچکترین عکس العمل مخالف با منافع خود و اربابان استعمارگر دست به جس و تبعید و زجر و شکنجه میزند . از جمله دلایل دادستان در مورد اتهام وارده سوابق این چهار وکیل مدافع است که از طرف سازمان امنیت ضمیمه پرونده شده است . در مورد سر تیپ مسعودی گفته شده است .

۱ - سر تیپ مسعودی از طرفداران دکتر مصدق بوده و در سال ۳۲ با لباس مبدل در فراند م شرکت نموده

۲ - اطلاعیه واصله در سال ۳۸ حاکی است که سر لشکر علی زند شروع بفعالیت خلاف رویه نموده و مرتبا با سر تیپ مسعودی و سر هنگها تراب ترکی - مجلی - طاهر قنبر مدتها در دفتر خود در گوشه صحبت و از وضع تنقید می نهند . در مورد سر هنگ امیر رحیمی استناد شده است که ، در جلسه ۷۶ تجدید نظر در آخر صحبتش گفته است که نهضت آزادی موکلین من خدا نگهدار شما . در مورد سوابق سر هنگ امیر رحیمی گفته شده است که ،

۱ - از دریافت لباس کهنه امریکائیها خود داری نموده و در بر خورد با چند نفر درجه داران ارتش آنها را هم تشویق به نگرفتن لباس کهنه امریکائیها کرده است .

۲ - در طی نامه ای که بحضرت آیت اله بروجردی نوشته است تقاضای تخریب حوضه القدس بهائیان را نموده است

۳ - در جزه اشخاصیکه بمنزل آیت اله زنجانی رفت و آمد میکرده اند سر هنگ رحیمی شناخته شده و در مورد سر هنگ غفاری استناد شده است که ، در جلسه ۴۶ دادگاه تجدید نظر گفته است ( من بنا بر وظیفه خدمتی خود دفاع از این آقایان میهن پرست را وجبهه خدمت خود قرار داده ام " من با کمال قدرت آنچه لازم باشد در دفاع از این آقایان خواهم گفت من شصت سال از عمرم میگذرد دیگر در سنین جاه طلبی نیستم آنچه وظیفه و وجدان من حکم بشد خواهم گفت بدون اینکه واهمه ای داشته باشم ) .

در مورد سوابق سر هنگ دکتر علمیه این جمله که ( ضمنا سر هنگ باز نشسته فوق الذکر دارای سوابقی در اداره ضد اطلاعات و اداره دوم ستاد بزرگ میباشد ) کفایت شده است .

جریان دادرسی از این قرار است که بمتهمین و وکلای تسخیری آنها که مورد قبول آنان نیستند و از طرف دادگاه انتصاب شده اند اجازه مطالعه پرونده خود شانرا نداده اند - اینست خیمه شب بازی دستگاه دیکتاتوری و سازمان امنیت که توسط عروسکهای بنام هیئت دادرسی ارتش انجام میگیرد و وکیل مدافع را که اصلا مصونیت قضائی دارد و وظیفه اش دفاع از موکل است بجرم انجام وظیفه ای که قانون برای او معین کرده است محاکمه میکنند .

اینست نمونه ای از وضع قضائی مملکتی که زمامدارانش مدعی هستند که ( در هیچ کجای دنیا باندازه ایران آزادی وجود ندارد ) .

متن نامه پیشوای ملت سازمانهای جنبه ملی ایران در اروپا  
احمد آباد ۱۴ بهمن ماه ۱۳۴۳

هیئت محترم اجرائی  
سازمان اروپای ملی جنبه ملی ایران

مرقومه مورخ ۲۳ آبان ۱۹۶۵ ( ۳ بهمن ۱۳۴۳ ) در ۱۱ بهمن عز وصول ارزانی بخشدید و از ترجیح که نسبت  
بمنافع وطن عزیز دارند بسی متشکرم و اکنون نظریات خود را نسبت بمندرجات نامه مزبور باستحضار میرسانم و  
( ۱ ) در پاره ماده ی هفتم آئین نامه جنبه ملی ایران که در اولین کنگره تصویب شد سازمانهای جنبه ملی  
ایرانیان متهم خارج از مرز که تابع مقررات این آئین نامه شده اند در صورتیکه در آئین نامه جدید مورخ  
۱۳۴۲ هیچ مرکزی از سازمانهای مزبور نداشته و آنها را بحال خود گذاشته اند تا بتوانند تشکیلات خود را احاطی  
و منعمیات حاصل کنند و بجلت مشکلاتی که در ارتباط تشکیلات مرکزی با تشکیلات خارج از مرکز هست خود را  
دچار اشدال نمایند بنا بر این جنبه ملی ایران در اروپا و آمریکا نمیتوانند با اطلاعاتیکه از اوضاع مملکت و مطبوعاتیکه دارند  
تشکیلات خود را طبق احداثیات محل برقرار کنند و از چنین تشکیلاتی در صلاح وطن عزیز استفاده نمایند  
( ۲ ) راجع باینکه افرادیکه عضو جمعیتی نباشند آیا میتوانند وارد شورای جنبه ملی بشوند و رای بدهند ماه  
یازده آئین نامه جنبه ملی رسم اینست که بنا نقل میشود ( شورای مرکزی از نمایندگان نیروهای مذکور  
در ماده اول که برای یک سال انتخاب میشوند تشکیل میگردد و تجدید انتخاباتمانعی ندارد )  
که ماده مزبور عیناً نقل میشود .

( ۱ ) ماده اول جنبه ملی ایران مرکز تجمع احزاب و جمعیتهای سیاسی و جامعه روحانیت و جامعه دانشجویان و  
سازمانهای سیاسی و اجتماعی است و دستجات محلی که هر یک از آنها مرام خاصی برای خود داشته  
باشند و با جنبه ملی سوم فقط دارای بنام مرام مشترک باشند که آزادی و استقلال ایران است ) بنا بر این هیچ فردی  
که در یک اجتماع ضرورت نداشته باشد نمیتواند وارد شورای جنبه ملی شود و آنچه باستحضار رسید مربوط است بشورای  
مرکزی در تهران تشکیل میشود و در اینجا چون دستجات و احزابی نیستند تا بتوانند نمایندگان خود را بشورای  
جنبه اعزام کنند پس با هم بحث مردمی صورت گیرد که مرام و مسلک باشند عقلی نیست چنانچه بعضی  
بدانند ممکن است در هر محل عده ای از دانشجویان و اشخاص دیگر جمعیتی به هر اسم و رسم که بخواهند تشکیل  
دهند و نمایندگان خود را بشورای اعزام دارند و اینکه فرموده اند که احزاب منحل شده تشکیل شوند سیاستگزارم .  
( ۳ ) نظریاتی که اینجانب در قسمت چهارم از مسروضه سی ام تیر ۱۳۴۳ اظهار نموده ام مربوط باعضای خارج از  
مرکز نیست بلکه مربوط است به بعضی اشخاص منفرد که عضو شورای جنبه ملی سابق بوده اند .  
( ۴ ) و اما راجع باشنا سرینکه ملا صحبت دارند اسم از اینکه در حزبی باشند یا نباشند نظر باینکه متجاوز از ۱۰ سال  
است که در زندان بسر میبریم و با کسی حشر نداریم در این باب نصیبتوانم اظهار نظر کنم و اکنون که جنبه ملی در  
خارج از ایران مقید باجرائی مقررات مرکزی نیستند و خود میتوانند بدین وسیله قید و شرط در باره هو فردی یا جمعیتی  
تحقیقات و عملیاتش بکنند البته هر کس را که مایلست بداند میتواند قبول کند .

دکتر محمد صدوق

رسالت استعمارگرانه آمریکا در عصر حاکمیت طتها

در حدود ۸ سال است که آمریکا بعنوان تنها مدافع صلح و آزادی در سر زمین ویتنام جنوبی علی رغم تمایلات مردم  
آن کشور در ضد منافع آنها میجنگد تا سر نرسد که منافذ منابع و اشتغال در جنوب شرقی آسیا است بملیت ویتنام جنوبی  
تحویل کند . دخالت آمریکا تا ماههای اخیر مربوط بکنشهای مختلف نظامی ؟ اقتصادی و تامین تجهیزات  
وسلاح و اعزام کارشناسان نظامی بود . آنچه در راه امریکا پای خود را از سرزمین ویتنام پس میکشید مردم بمیل خود  
رژیم حکومتی خویش را انتخاب و از حاکمیت میکشیدند اما باز هم در ظاهر این دست سر باز ویتنام جنوبی بود  
که بدین نژاد و فرمان گروهبان امریکایی ماشه اسلحه را فشار میداد . اما در عمقته های اخیر پس از آنکه ثابت شد

# پیام زندانی

ارژان - اردشیر - در طهران - خرداد - ایران

جبهه ملی مرکز اجتهاد و اجتماعات و دستجاتی  
است که برای خود تشکیلاتی دارند و مراعی جز  
آزادی و استقلال ایران ندارند .  
" از نامه جناب آقای دکتر مصدق "

مرداد و شهریور ۱۳۴۴

بها پنج ریال

## پیام

+++++

بسر دار بزرگ نهضت ملی ایران ، به پیشوای زندانی ملت ، بدکتر مصدق  
 اکنون دوازده سال است که تو در زندان استعمار بسر میبری . اکنون دوازده سال است که استعمار و ارتجاع از تو و ملت  
 رشید دیده تو انتقام میکشد زیرا که مردانه بر ضد امپریالیسم بنبرد برخاسته بودی . اکنون دوازده سال است که تو را از ملت  
 محبوب تو جدا کرده اند ولی دشمنان ایران نتوانسته اند و نخواهند توانست که نام عزیز ترا از خاطر ما بزدایند زیرا که  
 نام تو همراه با شعله پرشکوه نهضت ملی ایران میدرخشد و بقلب هر میهنپرست ایرانی گری میبخشد .  
 بزمن در آستانه سیزدهمین سالی که زندان نوکران امپریالیسم را آغاز میکنی ما با درد و درخ اطلاع یافتیم که برای  
 تیر ختنی این دلخوشی هم وجود ندارد که شریک یک عمر شادیبها و غمهای تو ، دست در کفارت آرام بخش خاطر  
 آید ، تو باشد . ما اندوه بزرگ تو را با همه وجود خود احساس میکنیم و عمیقاً خود را در آن شریک میدانیم .  
 بی شک ، بی شک ، بی شک ، دستگاه استبداد ، مانع انتشار آگاهیهای تسلیت مردم ایران برای تو شده است زیرا از نام تو  
 میترسند ، زیرا از نام تو میلرزند ، زیرا نام تو کابوسهای تلخی را در آنها بیدار میکند آری آنها از ذکر نام توئی که در  
 سر میبری و مدتها سرنیزه و مسلسل را در درون خانه ات بقراول گذاشته اند میترسند و میلرزند .  
 آنچه استبداد مانع تجلی احساسات مردم شد ولی سپاس و مهربانی بیدریغ ملت ما همیشه نثار تو میباشد زیرا ملت ما  
 زندان بخلت دلور خود را بحقشناسی نگه میدارد . نام تو برای ما منبعی سرشار از نیرو و توان است و چهره محبوب  
 تو بجا در بیکار بر ضد استبداد و استعمار الهام میبخشد .  
 رود گرم و آتشین ما بر تو باد ای محبوب ملت و نفرت بی پایان ما بر شما ای دشمنان رسوای مصدق .

XXXXXXXXXXXXXXXXXXXX

## چند پیرامون انقلاب مشروطیت ایران

در این شماره :

- ۱ - پیام
- ۲ - سخنی چند پیرامون مشروطیت ایران .
- ۳ - چند نکته درباره کودتای بیست و هشت مرداد .
- ۴ - درس هایی از انقلاب مشروطیت .
- ۵ - ۲۸ مرداد روز سیاه و نندین .
- ۶ - سخنی درباره جبهه ملی سوم ایران .
- ۷ - قیام مردانه یونان در برابر توطئه های استعمار

مردم را بقیام بر ضد ستم و استبداد برانگیخت . و آنچه  
 رژی یعنی لغو امتیاز تنباکو اولین قدم پیشرفت ملت در  
 برابر دستگاه دیکتاتوری بشمار میرفت وقتی مردم دانستند  
 که با ات-اد میتوانند پوز شوند قدم موثرتری برداشتند  
 و با ترور شاه قاجار بدین توری چهل ساله او پایان دادند  
 پس از شکست ایرانیان از دولت روسیه تزاری که منجر به  
 نامه ترکمن چای شد میهنپرستان دل از زده برای جبران  
 این نقت به چاره جوئی برخاستند . بعضی از آنها که  
 دانستند قدرت را بدست گیرند در راه هدفهای ترقیفخواه  
 خود اقداماتی انجام دادند . امیرکبیر مدراء اسم  
 نا رالدین شاه از آن جمله بود که سرانجام جان خود را در  
 اندیشه های باخت . پس از امیرکبیر شیرازه امور از نو  
 بدست نارنجیان افتاد و مامورین سفارت روس و انگلیس عملاً  
 برتر و وفق امور پرداختند . دیکتاتوری و ستم شاه قاجار از  
 پسر و مداخله بیگانگان در امور داخلی کشور از سوی دیگر

دکتر مصدق مظهر ملت ایران و حبس و اسارت وی نشانه حبس و اسارت ملت کهنسال ایران است .

و چون همچنان مبارزه در حال اوج بود روز بروز عمیق تر و وسیع تر می‌شد .  
 روشنفکران و غرنک دیدگان که برخی را امیر کبیر بارو یا اعزام داشته بود همراه با روحانیون و بازاریان و پیشه‌وران دست  
 بدست هم دادند و انجمن های بسیاری در تهران و شهرستانها تشکیل دادند نیروهای مبارز که در آغاز بتاسیس  
 عدالتخانه قانع بودند چون قدرت یافته و به پیروزی هایی نائل آمدند از هدفهای اولیه گذشته و این بار حکومت  
 مشروطه و پارلمان میخواستند . سرانجام توانستند فرمان مشروطیت را بگیرند و مجلس شورا را تشکیل دهند . مذاکرات  
 که در مجلس اول بین نمایندگان انجام گرفته است بخوبی راه انقلاب مشروطیت و هدفهای آنرا روشن میکند . ایجاد پای  
 های سالمی برای رشد اقتصادی و مالکیت و اقداماتی در جهت صنعتی ساختن کشور - تاسیس عدالتخانه و محکمه و تشی  
 مقرراتی در زمینه تامین عدالت اجتماعی و منظم کردن مقررات مالیاتی کشور و از بین بردن تیول و قدرت خانها سرانجام  
 به از بین بردن سیستم ثنودالیت و برقراری یک نظام بورژوازی ( سرمایه داری ملی ) منجر میشد . مذاکراتی که در مجلس  
 اول بر سر تاسیس بانک انجام گرفت اولین قسمت عملی ساختن این برنامه بود اما دیری نپائید که مشروطه نوزاد بدست  
 دربار محمد علیشاه متوقف و بساط مجلس برپیده شد . ریاکاری درباریان که گرگانی بودند در برابر زمین و توطئه های  
 دولت روسیه تزاری همراه با خوش بینی رهبران آزادی و پرمیز آنجا از خونریزی و اعمال زور سرانجام انقلاب مشروط  
 متوقف ساخت و دوره استبداد ضعیف تر فرارسید . تردید های رهبران مشروطه در تهران و راسی که از جان خود  
 داشتند به آنجا رسید که تا آن رین لحظه مردم را دعوت بمسالمت و آرامش کردند . و اجتماع آنها را امر پراگندگی نمودند  
 تا خودشان از طریق مذاکره اختلافات را با دربار حل کنند و نادانان رهبران مسالمت جو با توپ ها و قزاقها در  
 میدان بهارستان روبرو شدند و زمانی مردم را باستمداد طالبیدند که بتنهائی گرفتار توپخانه استبداد کشته بودند  
 اما مردم از آنجا بسیار دور و مایوس بودند . انقلاب نیمه تمام از آنجا برگزیده شد و یک بار دیگر ملت بنابر تمایزات  
 سازشکارانه بعضی و ریاکاریها و دو روییهای برخی دیگر از سران قوم محکوم بشکست شد . استبداد بر همه جا پیروز  
 شد و پیر از چندی فقط در محله امیرخیز تبریز ، مبارزه تبریز که تحت تاثیر انقلاب ۱۳۰۵ روسیه قرار داشت و بسیار  
 از قفقازیهای سوسیال دمکرات در تشکیلات آن بودند رنگ کاملاً انقلابی داشت و پس از چندی رهبران مشروطه دانستند  
 که کمیته تبریز راه را درست تشخیص داده و از طریق مذاکره و مسالمت کاری پس نمیرود . انقلاب تبریز میرفت که پیروز شود  
 تهران فتح شد و شاه به سفارتخانه گریخت اما ستارگان نتوانست بحالت گرفتاری که سپاهیان روس فرام کرده بودند  
 در مراسم فتح تهران حضور یابد . دیر آمدن غنائم و پستها را تقسیم کردند و گردان باز پوستینهای نوین پوشیدند  
 و برنگی دیگر کمر به خصومت آزادی و استقلال ایران بستند ، آنها که تا روز پیروزی انقلاب در سفارتخانه های  
 کشورهای اروپایی و یا در بیانات و آب و هوا در اجتماع میزیستند بیچاره سر از مخفیگاه ها بدر آوردند و لباس  
 عدالت پوشیدند و فدائیان سینه چاک مشروطه کشتند . این عوامل ریاکار داخلی همراه با اشغال کامل سپاهیان  
 روس و انگلیس در جنگ بین الملل اول ، یکبار دیگر انقلابی را که میرفت ارتجاع ، استبداد و استعمار را ریشه کن سازد  
 متوقف ساختند . در ۱۳۱۳ کودتای دیگری برخیز آزادی صورت گرفت و ۲۰ سال سیاه ملت ما را در زیر ضربات شلاق  
 استبداد و پیر از آن اتصاف چه این پس از جنگ دوم روزنه سائی را نشود . ملت ما دوباره به حرکت پرداخت و اینبار  
 نیز از خود رشادتهائی بیشمار نشان داد سی ام تیر بوجود آمد و بدنبال آن باز مذاکرات مسالمتها و اغماض در  
 برابر کانونهای توأه و آشیانه های استعمار و درست همان سرنویست قبلی تدار شد و در ۲۸ مرداد یکبار دیگر  
 نتیجه این روشهای مسالمت جویانه آشکار گشت . و یکبار دیگر انقلاب ایران که با پیروزی غاصبانه بسیار تصور داشت  
 شکست خورد و مردم گرفتار دیکتاتوری سیاه و حکومت فاشیستی دست نشانده استعمارگران شدند .  
 ملت قهرمان باز هم باید حرکت کرد . در تاریخ مبارزات ملت ما سالها به پیروی شمرده نمیشود . اکنون دشمن  
 تپاس دورانهای قبلی قویتر و مجهز تر است ، عوامل تریب است و دشمن و بیرحم است . در برابر استعمارگران سر سپرده  
 است و با آنان پیوند های ناگسستنی دارد .  
 ز اینسو توده ها نیز بهتر نظر میکنند و مسائل را بمقیاس بسیار وسیعی بهتر از آن دورانها تجزیه و تحلیل مینمایند  
 پیر رای اقتصاد و اجتماع و دنیا و تائیک مبارزه را در تون ساخته و امروز دیگر نمیتوان بپد نه های بشر نرسیده  
 روزی های مأموم بشکست آند و رانها اکتفا کرد . مسیر حرکت مبداء و مقصد بدلی تفاوت کرده است ، اما یک چیز تغیر  
 است و آن عاملی است که پیای نهضت ملی ایران را از آغاز مشروطیت تاکنون متوقف ساخته است .

تعیات محافظه‌گران در بران که بکلی با احساس توده‌ها جدایی داشته‌اند و در تظاهرات و تظاهرات مردم گام برمی داشته است. عفو و اغماض فریب‌ظاهرساوی‌ها و تفرقه و پراکندگی همراه با احتراز از جنگ و خونریزی سراسر تاریخچه نهضت ما را پوشانیده است و لحظات دردناکی تاریخ مبارزات ملت ما را تشبیل میدهند.

آنچه برای پیروزی باید مورد توجه قرار گیرد بررسی انتباهات گذشته و کوشش در تکرار نکردن آنهاست.

XXXXXXXXXXXXXXXXXXXX

"چند نکته در باره کودتای ۲۸ مرداد"

یکی از وظایف اصلی نیروهای ملی تحلیل و بررسی دقیق حوادث و وقایع گذشته است. بخورد صرفاً احساساتی و عاطفی با حوادث گذشته حاوی هیچگونه نتیجه واقعی برای امر مبارزه نخواهد بود.

نیرو آموختن و تجربه اندوزی برای نهضت فقط با بررسی همه جانبه امکان پذیر است و ارزش حقیقی تاریخ نیز در مینجامد.

پیام دانشجو میکوشد که در حدود امکانات خود کم و بیش باین نیاز پاسخ دهد.

کودتای ۲۸ مرداد از جنبه های مختلفی قابل بررسی است، از جنبه خود حاوی درسهای عبرت انگیزی است. بررسی همه مسائل مربوط به کودتا فعلاً امکان پذیر نیست و ما فقط در اینجا بچند نکته مهم در مورد کودتا بطور پراکنده اشاره میکنیم و تحلیل و بررسی سیستماتیک آنرا بوقت دیگری موکول مینمایم.

در شماره تیرماه پیام دانشجو در بررسی قیام سوسیالیست‌ها در ۲۸ مرداد در خشان تیرماه ۳۱ و وحدت صفوف ملت و یکپارچگی طبقات مختلف ملت در جریان قیام و عقب نشینی متضادانه عوامل امپریالیسم و ارتجاع باین دلیل بود که نیروهای نهضت ملی و ضد استعماری ملت ما اراده مقاومت نمودند را بر اساس تاکتیکی درست مردم ارائه کردند و بدلیل صحت تاکتیک مورد استقبال توده مردم قرار گرفتند و از همین علت شکست نهضت در ۲۸ مرداد آشکار میشود. شکست موقت نهضت در ۲۸ مرداد بدلیل فقدان اراده مقاومت و یا حداقل عدم عزم تاکتیکی مناسب برای اعمال مقاومت بود. در ۲۸ مرداد چون سوسیالیست‌ها اراده مقاومت در مسیر درست ارائه میشد "ملت سوسیالیست" نمرده بود و نبود که این توده نیز در هم شکسته شود. آنچه که باید بمطالب بالا اضافه کرد اینست که مردم در ۲۸ مرداد مردم نگران مضارب و آماده در انتظار دستورات رهبران خود بودند، این آمادگی صرف نظر از تعلق آنها باین حزب باین حزب دیده میشد باین جهت با اطمینان میتوان گفت که اگر نهادهای برای تقاضای مقابله از طرف هر نیرویی بلند شدند با استقبال مردم مواجه میشد. ولی متأسفانه هیچکدام از نیروهای سیاسی موجود در جامعه شمار مقابله با کودتا نکردند و از این نظر هم آن نیروها در این تقصیر مسئولیت دارند و کمبود قدرت هر یک از آنها بار مسئولیتشان را نمیسازد، زیرا ایرادی که بر نیروهای کوناگون سیاسی در ۲۸ مرداد وارد است این نیست که چرا پیروز نشدند پیروزی یا شکست یک نهضت مربوط بتناسب قوای ظریف در ره‌دهنده پیکار است. آن ایراد بزرگی که به رهبری همه نیروها در استعماری جامعه خواه بزرگ و خواه کوچک وارد است اینست که همه آنها تنها در انجام و پیروزی کودتا شدند و نه در اعمیت پیروزی خود تا ۲۸ مرداد خیلی کمتر از اعمیت خاموشی و سکوتی بود که تمام نیروهای مخالفان کودتا پیش گرفته بودند زیرا بدیهی است که در جریان مبارزه برای هر نهضتی فقط پیروزی وجود ندارد این غایت اساسی برای هر نهضت است تاریخ این موضوع را بخوبی نشان میدهد که هیچ پیروزی بزرگ اجتماعی بدون آنکه قبلاً چندین شکست را تحمل کرده باشد و ترنایها داده باشد بدست نیاید برای نهضت بدترین شکستها و بزرگترین پیروها اینست که جرات شکست یافتن نداشته باشد. آری باید جرات شکست یافتن را داشت ولی شکست در حال مبارزه اسلحه در دست بدون درخواست رحم و بدون صلح و سازش نه‌ببین، این چنین شکستی از نظر موقع نهضت در بین توده های مردم بجز از پیروزی کم ندارد بلکه زمینه عینی گسترش نهضت را در جامعه قوی تر میکند. باید جرات شکست یافتن داشت ولی بشرای که همه اقدامات همه کوششها برای شکست دادن انجام شده باشد و نهضت در ۲۸ مرداد با چنین شکستی مواجه نبود، مراکز رهبری نیروهای ضد استعماری هیچگونه کوشش واقعی برای شکست دادن بکار نبردند و در حقیقت رسالت تاریخی و مسئولیت سنگین خود را در مقابل نهضت ملی ایران نشان ندادند، در مقابله با کودتای ۲۸ مرداد آن سرعت عطا و جسارت انقلابی لازم دیده نشد.



اعتقاد ما بر این است که عمده ترین علت شکست در ۲۸ مرداد عرضه نشدن تاکتیک مناسب برای مقابله بود، تحلیل شکست ۲۸ مرداد بر این اساس است که عدم وحدت نیروها علت اساسی شکست بوده است در حقیقت کوششی که برای سبک کردن بار مسئولیت و تقسیم آن و در عین حال برای جریان کنونی مبارزه مضرب و خنثی کردن آن است. عدم وحدت نیروها در ۲۸ مرداد مانع طرح شعار مقابله با کودتا نبود و چنانکه میدانیم این شعار از جانب هیچ نیرویی داده نشد و اگر شعار مقابله با کودتا که فقط با تاکتیک اعمال قدرت بر ضد کودتاچیان قابل تالیق بود طرح میشد آنوقت وحدت یا عدم وحدت نیروها فوریت پیدا میکرد و میتوانست عامل عمده شکست قلمداد شود، از آنچه گفته شد نباید این نتیجه گیری غلط را کرد که ما به امر وحدت نیروها کم بها میدیشیم و بارزترین اهمیت آن در جریان مبارزه بر نداشتن استبداد و استثمار واقع نیستیم، برعکس امر دناغ از وحدت نیروها یکی از مواضع دائمی سازمان دانشجویان بوده و خواهد بود ولی آنچه که باید پشیمان داشت اینست که ارائه تاکتیک مناسب برای نهضت را نمیتوان تعلق بامر وحدت نیروها کرد.

برای ما وحدت عبارت از نشستن در ادواتهای در بسته و نوشتن اعلامیه های مشترک نیست، بلکه ما وحدت را بدین نحو فهمیم که باید با ارائه تاکتیک و مسیری مناسب برای نهضت هر چه بیشتر نیروهای مردم را در محور آن جمع و متحد ساخت. وحدت بخودی خود بوجود نمیاید تبلیغ امر وحدت بدون ارائه جهت عملی حرکت این وحدت بیفایده است و سرانجام کنونی جامعه ایرانی نه تنها امر وحدت نیروها بلکه حتی گسترش سازمانی و کسب قدرت تشکیلاتی، ارتباط مستقیم با این مسئله دارد که راه پیروزی کدام است نباید پنداشت که میتوان از نظر سازمانی قوی شد بدون آنکه مسیر نهضت را روشن ساخت. باید دقیقاً تفاوت وضع عمومی و کنونی جامعه را با قبل از ۲۸ مرداد درک کرد، آنوقت تخییر لازم را در تاکتیک متخذه مرعی داشت.

اسم توجه باین مسأله باعث شد که تاریخ در ۲۸ مرداد سخت ما را تنبیه کند و اکنون زمان آنست که با فداکاری و مهارت لازم از بار سنگین مسئولیتهای گذشته بکاهیم.

در ۲۸ مرداد ضرورت داشت که نیروهای نهضت بفوریت با توجه بتغییر وضع تاکتیک اعمال قدرت را در پیش گیرند، این کار در آنزمان انجام نشد، اکنون ما چه از نظر تاریخی و چه از نظر اوضاع و احوال شخصی دنباله ۲۸ مرداد را در پیش میگیریم و نکته پیدا است خروج از وضع کنونی فقط در صورتی امکان پذیر است که از انجام رسالت خود همچون ۲۸ مرداد ۳۲ شانه خالی نکنیم.

XXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXX

" در سهایی از انقلاب مشروطیت "

در ایامی که سلطان دیکتاتوری قاجار مجلس را بتوپ بست، باتکاء قزاقان پایه های حکومت استبدادی خویش را مستحکم کرد و در تهران که زمانی کانون آزادیخواهی بود قلمها را شکسته و دهانها را بسته بود، در تبریز مردانی از جان فداخته بخاطر بدست آوردن مشروطه ای که مردم ایران با آنهمه جانبازی بدست آورده و اکنون اینچنین آسان از دست داده بودند پیکار را آغاز کردند. انقلاب تبریز که سرانجام با پیروزی مجاهدین پایان یافت سرشار از تجربه های بسیار برای افراد است که اکنون بخاطر آزادی و استقلال ایران مبارزه میکنند. مردی عامی و ساده و قهرمانی دلیر و پرتوان بنام ستارخان رهبری انقلاب آذربایجان را بعهده داشت، رفتار و گفتار این مرد تا آنجا که در تاریخ ثبت است حاکی از ایمان خلل ناپذیر او به آزادی و دموکراسی و نشانه کاردانی و آزمودگی او بعنوان یک رهبر است. ستارخان از میان مردم برخاسته بود، بزبان توده سخن میگفت و هم زبان آنها را خوب درک میکرد. همچنین زبانی را که با آن باید با حکومت دیکتاتوری بسخن پرداخت نیز خوب میشناخت و راز پیروزی او و نهضتی را که رهبری مینمود نیز باید نتیجه همین خصوصیات دانست. مشروطه از همه جا رخت بر بسته بود و حتی در مجلات تبریز نیز بسیاری از مشروطه خواهان به آزادی پشت کرده بودند و تنها پرچم ضد دیکتاتوری بر فراز "مجله امیرخیز" بحال اهترزاز بود. مشروطه از آنجا آغاز شد و سپس شیجان انقلاب تبریز دلها را گرم و امیدوار ساخت و مردم را

درد به بازارگان - طالقانی - سخایی - بران نهضت آزادی ایران و سایر زندانیان نهضت آزادی.

به پیکار برانگیخت و روحانیون تبریز را بمشکامی خواند و فتوای این روحانیون به تبریز کمک بسیار کرد و در پیروزی مجاهدین و ایجاد امکانات برای مقاومت در برابر قحطی و فشار دیکتاتوری شاه قاجار سهم بسزایی داشت اما آنچه از همه میدرخشید چهره انقلابی ستارخان و جانبازی او بود .

روزی در بهران جنک کنسول روسیه تزاری به محله امیر نیز آمد و به ستارخان پیشنهاد کرد که دست از جنگ بردارد و بیرقی از کنسول خانه روسیه فرستاده شود و بالای خانه خویش نصب کرده بدین ترتیب در پناه دولت روس باشد و نوید داد که برای او " سر قره سوری " آذربایجان را از دولت ایران بگیرد ، ستارخان در جواب کنسول چنین گفت : جناب آقای کنسول من میخواهم مفت دولت بزرگ بیرون ایران بیاید نه من بزرگ بیرون بیگانه روم .

در ای آنروز ستارخان بخانه یکی از مجاهدین رفت و ضمن بازگویی مذاکرات با کنسول گفت میخواهم بروم بیرون ای سئید را بخوابانم این را بگفت و با دسته ای از انقلابیون بیرون رفت ، اولین بیرون روزی که سر راه خود دید با گلوله بپائین افکند سپس به بیرون ای سئید پرداخته یاریک را سرنگون نمود تا آنروز گروه اندکی از آزادیخواهان با ستارخان همراهی میکردند و او انداختن پرچمها چنان میجانی در دل مردم تبریز برانگیخت که انبوه بیشتری کرد او را فرستند و زیاد زنده ماند ستارخان از هر سوی شمشیر برآست ، روسیه مردم در اثر این تاکید دیرتوان شد و امیدواری در آنها بوجود آمد ، گروه بیشتری اسلحه برداشته و همان روز به محله امیر خیزش بسیار شسته به انقلابیون پیوستند .

در آن روزها هر کس زخمی در جنگ بر میداشت با شاخ برک بسیار کوچکی آنرا برای دلگدازان بازگو میکرد و آنرا افتخار خویش میدانست . ستارخان روزی بدست عباسقلی نامی از نوکران خود غریب دولتیان را خورده بود و در کتله گرفت زخمی میشود اما خود بتمنهائی زخم را میبندد و تا پایان جنگ با کسی از این بابت سخنی نمیگوید چون می دانسته است که این خبر تا چه حد باعث ضعف و ناامیدی سپاهیان آزادی میشود و چگونه حربه تبلیغاتی بدست دولتیان خواهد داد .

در یکی از جنگهای سختی که دولتیان انقلابیون را شکست داده و آنها را بگریز داده اند ، ستارخان که از بالای یام خانه خویش با دوربین منظره جنگ را تماشا میکرد وقتی فرار مجاهدین را دید مهترش را صدا زد و گفت " اسب مرا بیاور " یکی از همراهان پرسید چه اتفاقی رخ داده است ، سردار پاسخ داد که ( ) بپه ما را کشتند آنها شکست خورده عقب نشینی میکنند و سربازان از پشت بانها گلوله میبارند ) همراه رشید مهترش بروی اسب پرید و به رزمگاه شتافت ، از هر طرف باران گلوله میبارید ، مهترش فریاد کشید گلوله میآید بکجا میروی اما ستارخان بی اعتنا پیش رفت تا بدیوار شکافته نسی رسید ، همانجا را سنتر ساخت و بتمنهائی شروع بتیر اندازی نمود و جلوی هجوم دولتیان را گرفت این رشادت و جانبازی موجب شد فراریان دو باره بازگشتند و بمیدان روی آوردند و سربازان را منهدم و مخلوب ساختند . یکی از سران مجاهدین بعد از آن گفته بود " من آنروز دانستم که ستارخان شدن کار آسانی نیست " .

در آنروز که بازار مشروح در برابر مشروبه خواهان رونق داشت و شیخ نوری علمدار دیکتاتوری بود روحانیون نجف برهبری آخوند خراسانی در دلگرمی انقلابیون به پیروزی و همراهی مردم نسبت بانها موثر بودند ، آخوند خراسانی در یکی از فتواها مینویسد : " الیوم نمتد دفاع از نفوس و اعراض و اموال مسلمین از اهم واجبات و دادن مالیات به گماشتگان او از اعظم محرمات و بدل و جهد و استحقاق و استقرار مشروبه است بمنزله جهاد در رکاب امام زمان ، مخالفت و مسامحه بمنزله خذلان و محاربه با آن حضرت است .

XXXXXXXXXXXXXXXXXXXX

۲۸ — مرداد روز سیاه و تنگین

دوازده سال پیش در روز ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ارتجاع داخلی و نوکران امپریالیسم بکام مستقیم سازمانهای جاسوسی آمریکا و انگلستان و تریج میلیونها دلار و لیره کودتای شاهانه ۲۸ مرداد را بر ضد دولت ملی دکتر مصدق و نهضت استعماری وطن ما سرهم بندی کردند .

پس از توطئه ننگ آلود و سیاه بر ملت رنجیده ما همراه با دردناکی گذشت و میگردد . شایسته های زندان از مبارزان

دلیرند استعمار پر شده صدها نفر در اسارت و زمینان حکومت کودتامورد آزار و شکنجه های وحشتناک قرار گرفته و خون پاک دهنها مبارز برجسته راه آزادی و استقلال ایران در میدانهای اعدام بر زمین ریخته شد و یارها در صحنه شهرهای مختلف ایران زندگانی در محاسن هموطنان ما بنا رکباز کتوله ۱۰ و مسلسل ها در رو شد ، چه سرهای پرشوری که جز بودای میهن در آن چیزی نبود بر باد رفت و چه سینه های پر امیدی که به خاطر عشق بوطن می غلپید مشبك شد و آنچه های زندگانی چه بسا جوانانی که در پشت دیوارهای گدرو کهن زندانها نشکفته ماند .

همه این جنایات برای این انجام شد که نتایج مبارزه ضد استعماری ملت ما بر باد نماند شود تسلط استعمارگران ایجاد گردد و تسلط نوکران امپریالیسم را تهدیدی نباشد .

ارتجاع و استعمار میخواست که با کودتای سیاه ۲۸ مرداد نهضت ضد استعماری را برای همیشه ریشه کن سازد و این را به گورستانی خاموش بدل از ولی ملت ما اگر چه از ۲۸ مرداد لاله فراوانی دید ، اگر چه دولت ملی و قانونی دکتر ممدی ساقط شد و اگر چه این توطئه سنگین در دای فراوانی برایتی بارمضان آورد و اگر چه نهضت ملی در ۲۸ مرداد مواجبه با شکست بزرگی شد ای مبارز پرچم مبارزه بر ضد استعمار و بر ضد عال داخلی آنها زمین گذاشته نشد در تمام سالهای بعد از ۲۸ مرداد تا امروز سالی نبود که صد ها نفر پرچم مبارزه با حکومت کودتا بزندان گسیل نگردند نبود که خون پاک گروهی از مبارزان نهضت بر زمین ریخته نشده باشد .

حتی در سایه سیاهترین روزهای پس از کودتا نیروهای مختلفی به تظاهرات وسیع علیه آن میپرداختند ، چنانکه در ۱۶ آذر سال ۱۳۳۲ صحن دانشگاه تهران با خون سرشکین رنگین شد و در سال ۱۳۳۷ رنجبار مسلسلهای مدعیان آزادیجات ده ها نفر از کارگران قهرمان قهر پزخانه را در رو کرد و این وقایع بارها تکرار شد و میشود ، همه این وقایع روح پیکار جوشی بی امان دلت ما را نشان میداد .

تاری شلاق و زندان ، شکنجه اعدام و کشتار قادر نشد و قادر نتواند شد اراده مقاومت ملت ما را درهم شکنند و نتایج های نهضت ملی ایران همزمان شورانگیز بما الهام میبخشد که از پان نشناخیم با نفرت و کینه بی پایان بدشمنان ملت و با عشق بی پایان بسرنوشت ملت و نهضت مبارزه را ادامه دهیم .

تصوما عمر زوال و نابودی استبداد و استعمار و بیروزی ملت ما است این حکم محکم تاریخ است . هوشیار ، مستد ، یار جوانانه به پیش بتازیم و نشان دهیم که انجام رسالت حکم تاریخ را دلاورانه استقبال میکنیم .

XXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXX

" سخنی در بساطه جنبه ملی سوم ایران "

شماره گذشته پیام دانشجو خبر اعلام موجودیت ( جنبه ملی سوم ) در طی مقاله ای بنظر خوانندگان رسید . موجودیت و آغاز فعالیت جنبه ملی سوم مایه خوشحالی فراوان سازمان دانشجویان گشت زیرا سازمان دانشجویان در طی دو سال اخیر که از صرف رعبیری جنبه ملی سوم رونق نادرست ( صبر و انتظار همراه با شکل سازمانی نامناسب ) گرفته شده بود بدآور جدی خواهان اداء مبارزه و تامین تشکل و احیاء مجدد سازمان جنبه ملی ایران بود و این راه نه در حرات بلکه در عمل بر سبب امکانات خود بطور مداوم تمام برداشت . سازمان دانشجویان اثر چه از بابت استقامت و پیگیری خود لطمات و خدات شدیدی را از ارشاد ستاده استبداد تحمل کرد و چهیره خونین و رنج دیده است و هم اکنون بجای گروهی از بهترین دوستان در کنار ما خالی است و آنها اسیر زندانها و سربازخانه های بیست کودتا هستند ولی سازمان سرافراز است که پرچم نهضت را بر زمین نگذاشته و مبارزه را تعطیل ننموده است . خوشحالی ما وقتی افزون میشود که میبینیم این روش سازمان دانشجویان باور سربخ مورد پشتیبانی پیشوای ملت قرار گرفته است . چنانکه آقای دکتر ممدی در نامه از ۱۳۴۳ نمود بسازمان دانشجویان چنین نوشت :

" نامه محترم مورخ ۲۹ اسفند عز و ول ارزانی بخشید و موجب نهایت خوشوقتی و امتنان گردید که این هیأت محترم کفذاکان مسافرا مربوطا به ملت ایران را در نظر گرفته و مبارزه را تعطیل ننموده است و این جدیتی که نشان میدهد موجب نهایت امیدواری است و این جانب به سبب خود موفقیت شما دانشجویان عزیز را در آزادی و استقلال ایران خواستمانم . . . . . "

با توجه بمراتب بالا باین مسئله که سازمان دانشجویان میتوان سازمان مستقلی که بد اخواهان همکاری با جنبه

ملی است و عمیقا خواستار پیشرفت جبهه ملی در پیشبرد نهضت ملی ایران است. پیام دانشجوی بعنوان منعکس کننده نظرات سازمان دانشجویان لازم می بیند که بطور مختصر در باره جبهه ملی سوم صحبت کند. ما توجه دقیقی همه سازمانهای ضد استبداد و ضد استعمار و همه مبارزان و شخصیتهای ملی را بمنظرب زیر جلب میکنیم. قبلا باید نکاتی پیرامون بعضی زمره های مخالف که از نوشته و کنار در باره لزوم تشکیل جبهه ملی سوم بطور روشن در آورده و بد گوئی آغاز کردند و نسبت بکسانی که در طی دو سال اخیر در زیر خفتان شدید استبداد راه مصدق و راه نهضت را دنبال میکردند اتهامات بی اساس و تنگ نظرانه خود را که نشانه فقدان کامل مسئولیت نسبت بسنوست نهضت است تکرار میکنند و بدین ترتیب در کار احیاء جبهه ملی عملا اختلال میورزند. آنها بخواهیم کمک برفع مشکلات موجود در کار تشکل و احیاء جبهه مشکلات جدیدی در این راه بوجود میاورند. ما باین عده هشدار میدیم سازمان دانشجویان به هیچ وجه تحمل نخواهد کرد که نمایندگان، بافرا و بکارهای سازمان دانشجویان و احزاب و بهر کسی که در کار مبارزه ضد استبدادی برای احیاء و تشکل جبهه ملی ایران میکوشد بی حرمتی شود. ادامه اختلال در کار تشکل جبهه این امر را ضروری میسازد که واقعیات بی پرده عیان گردد و در صورت احساس چنین ضرورتی ما در افشای واقعیات رعایت هیچگونه ملاحظاتی را نخواهیم کرد. جبهه ملی ایست که متعلق بوارشین همین باشد که کسی نتواند برای سرنوشت آن اندیشه و اقدام نماید.

جبهه ملی بفرمان و افرادی احتیاج دارد که همه زندگی آنها مبارزه باشد نه مبارزات بصورت تفنی برای جبران کمبودهای درونی آنها در آید. جبهه ملی بکسانی احتیاج دارد که نه فقط در شرایط مساعد مبارزه راه آزادی و استقلال ایران باشد بلکه در شرایط بسیار نامساعد و پر خفتان نیز دلیرانه مبارزه را ادامه دهد. جبهه ملی با افرادی احتیاج دارد که نه فقط در شرایط اوج مبارزه قدرت جنبه بلکه در شرایط نزول قدرت جنبه نیز بدون صبر و انتظار پیکار را بر حسب امکانات و مقتضیات دنبال کند.

پیام دانشجوی امیدوار است که این مختصر کسانی را که در راه احیاء تشکل جبهه ملی اختلال میکنند پسندد باشد. چنانکه اشاره شد سازمان دانشجویان خواهان جدی و مصممی احیاء تشکل جبهه ملی ایران است خواستار آنست که هر چه زودتر بتوانیم مبارزه را از قوس نزولی خارج راه پیروزی نهضت ملی ایران را هموار سازیم.

برای موفقیت در این امر فقط اعلام تشکیل جبهه ملی سوم دردی را دوا نمینند بلکه مسئله اساسی و مهم بگونگی محتوی این جبهه است. وقتی اعلام میشود که جبهه ملی سوم ایران تشکیل شده است قبل از همه باید برای ما روشن باشد و برای مردم نیز روشن کنیم که مرز بین جبهه ملی دوم و سوم کدامست. باید دقیقا بدانیم و مردم نیز بدانند که چرا جبهه ملی سال ۳۶ تا ۴۲ (جبهه ملی دوم) شده است؟ باید بدایلی که تشکیل جبهه ملی سوم را ضروری ساخته عمیقا آگاهی داشته باشیم و همه مردم را نیز آگاه گردانیم. و در این میان نیروهای تشکیل دهنده جبهه و شورای مرکزی جبهه ملی سوم باید قبل از همه و پیش از همه به ضرورتهای تشکیل جبهه ملی سوم توجه کنند.

بنظر ما ضرورت تشکیل جبهه ملی سوم بر این اساس استوار است که جبهه ملی دوم یا درست تر گفته شود رهبری جبهه دوم چه در مسائل سازمانی و چه سیاسی از روشها و تاکتیکهای پیروی میکرد که برای نهضت نامناسب بود و سابق با ضرورتهای مبارزه ملی نبود. رهبری جبهه ملی دوم حتی پس از پیام دکتر مصدق به اولین کنفرانس جبهه ایران بر روش نادرست خود ادامه داد و عملا به توصیه های پرارزوی دکتر مصدق بی اعتنائی نشان داد. حتی رهبری در داخل جبهه ملی ایران (دوم) که همیشه نقش مدافع تفکرات اشتباهات رهبری را بعهده داشتند و مبلغ بسیاری از نظرات نادرست در مسائل تشکیلاتی و سیاسی بودند ردیلانه در اصالت پیام دکتر مصدق شک کرده از انتشار وسیع آن برای مدتی جلوگیری کردند و عدم توجه به محتوی پیام دکتر مصدق باعث شد که سواکن و افترا و جدائی از نظر سازمانی و موضع محافظه کاری و فرصت طلبی و جدائی از مردم همچنان بر جبهه

مسلط بماند و بالنتیجه جیبه نتواند از فرصتهایی که بدست آمده بود استفاده کرده و نهضت را بجلو سوق دهد و بطور قطعی قوس نزولی خارج سازد. ما حاصل مسیری که رهبری جیبه ملی دوم اتخاذ کرد این شد که نهضت هنوز از بحرانی خارج نشده مواجه با بحران جدیدی گردید.

تمایل نیروهای ملی بخروج از این بحران است که ضرورت تشکیل جیبه ملی سوم را توضیح میدهد. در ضرورت تشکیل جیبه ملی سوم بطور ذاتی این امر ناشی است که این جیبه از نظر محتوی، از نظر روشها و تاکتیکها چه در مسائل سازمانی و چه در مسائل سیاسی دنباله جیبه ملحدوم نباشد و برجای پای رهبری گذشته قدم نگذارد و گرنه جابجا شدن افراد و شورای مرکزی و آمدن سازمانی و رفتن سازمانی بدون تخریب محتوی جیبه ملی مرزی بین جیبه ملی دوم و سوم بوجود نمیآورد در حالیکه بتوجه بعدم اعتمادی که در توده های مردم نسبت به رهبری جیبه ملی سابق بوجود آمده است ضرورت مبرم دارد که افتراق جیبه ملی دوم و سوم مشخص شود و بطور علتی برای همه مردم توضیح داده شود که "چرا ما جیبه ملی سوم هستیم" و بعنوان اولین قدم در ایجاد این مرز باید اشتباهات و خطاهای گذشته صادقانه بدون پرده پوشی و بدون کم و کاست و مبالغه و بدون بیم از عواقب آنها و بد آمدن آنها همی و بدون ملاحظه کاریهای ناصواب با جسارت سیاسی یک سازمان مبارز با مردم در میان گذاشته شود و بدین طریق برای جلب اعتماد مردم گامی بزرگ برداشته شود.

نکته را ما صریحاً میگوییم که اعلام تشکیل جیبه ملی سوم (و شورای مرکزی جدید) بنتهایی اعتماد مردم را جلب کند. اعاده اعتماد مردم نسبت به جیبه ملی سوم و تبدیل جیبه به مرکز تجمع همه نیروهای ضد استعمار و استبداد همه بدون ارزیابی انتقادی و صادقانه و شجاعانه گذشته و اعلام صریح مسیر جدید امکان پذیر است.

۱- ما جیبه ملی سوم در مسائل اساسی زیر (که همیشه بر سر آنها بین نیروهای مترقی جیبه دوم بویژه بین دانشجویان و رهبری جیبه ملی دوم اختلاف نظر و مناقشه بود) باید خیلی سریع موضع خود را با وضاحت روشن کند از همان ابتدا در ثنوری و رباتیک و در گفتار و کردار و در فعالیتهای مابوعاتی و تشکیلاتی خود را نشان دهد که در این راه صادقانه قدم بر میدارد و با جیبه ملی قدیم کیفیتاً تفاوت دارد.

این مسائل عبارتند از:

۱- کوشش برای وحدت و جامعیت همه نیروهای ضد استعمار و ضد استبداد در درون جیبه ملی و رعایت توصیه دکتر مبنی بر اینکه "در های جیبه ملی را بسوی همه کسانی که میخواهند بر علیه استبداد و استعمار مبارزه کنند بشیایند."

۲- ارزیابی از توده مردم بعنوان نیروی اساسی جنبش ملی ایران و بالنتیجه توجه عمیق به نیازهای جامعه ایرانی و اعلام شعارهایی که نزدیکی هر چه بیشتر جیبه را به محرومترین مردم جامعه ما ممکن سازد و دامنه عمق نهضت را بین توده های مردم وسعت بخشد.

۳- ارزیابی از رقابتهای دول استعمارگر در ایران بعنوان امکانی فرعی که فقط در اوضاع و احوال عینی بتواند در شرایط مبارزه تسهیلاتی فراهم سازد بدون اینکه مرکز بتواند تکیه تاه نهضت قرار گیرد و آگاهی این مسئله که فقط متکی بر مردم است که در نزد دوست و دشمن برای ایجاد امکان و زمینه عینی نهضت کمک خواهد کرد.

۴- استفاده بموقع و هوشیارانه از همه امکانات و وسائل و روشهایی تضاد های درونی دستگاه حاکمه را تشدید سازد بدین ترتیب تا گتیهایی به منظور رسوا کردن ماهیت برنامه های فلابی اصلاحی تا هر چه بیشتر بحران موجود در دستگاه آشکار نماید.

۵- چیزی است که این اصول با هم پیوند ناگسستنی دارد بدین معنی که انحراف در هر یک از آنها سرانجام ما را به انحراف از مجموعه این اصول خواهد گشاید فی المثل داشتن روشها درست در امر وحدت نیروها خواه و ناخواه در ارزیابی ما نسبت به نیروهای مردم به توان تکیه گاه اصلی جنبش ملی تاثیر میکند و این یک بنوبه خود باعث میشود که برای رقابتها و عواما، خارجی در جریان مبارزه ارزش زیاد تر از آنچه که هست قائل شدیم نتیجه کلی آنست که این کج رویها آن خواهد شد که سرنوشتی تاثیر جیبه ملی دوم در انتظار باشد. این چنین است عمده ترین اصولی که جیبه ملی

سوم بعنوان مرکز تجمع همه نیروهای ضد استبداد و ضد استعمار جامعه ایرانی در جریان مبارزه بخاطر آرمانهای ملی باید همواره از آن پیروی کند .

ما آنچه را که گفتنی بود مختصر و مفید بیان کردیم تا در آینده در مورد روش سازمان دانشجویان هیچگونه سوتفاهمی ایجاد نشود . سازمان دانشجویان با درک عمیق مصالح نهضت و با احساس شدید مسئولیت در مقابل سرنوشت مبارزه ضد استعماری و ضد استبدادی ملت ما بر اساس اصول مذکور با سایر نیروها همکاری میکند . احزاب، دستجات و نیروهایی که بر ضد استبداد و استعمار مبارزه میکنند ندای ما با شماست و دیگر فرصتی برای تکرار اشتباهات نیست آزموده ها را نیازمائیم . به پیش بسوی وحدت پیکار و پیروزی .

X+X+X+X+X+X+X+X+X+X+X+X+X

قیام مردانه ایران در برابر توطئه های استعمارگران

بار دیگر در سرزمین رزمه بلا کشیده یونان امپریالیسم جهانی و در رأس آن ایالات متحده بدستگیری ارتجاع داخلی نقشه های ضد ملی خود را پیاده کرده و رویا روی اراده مردم را حکومت قانونی ژرژ پاپاندرو را با یک کودتای سیاسی واژگون ساخت .

بحرانی که اکنون یونان را فرا گرفته پدیده های شکفت و غیرمنتظره نیست این بحران از همان دسامبر ۱۹۴۴ زمانیکه امپریالیست ها با مداخله خود جنبش نجات بختر و ضد فاشیستی مردم یونان را بخون کشیدند و جریان طبیعی تکامل را در این کشور سد کردند آغاز شد . پس از سرکوب انقلاب در سال ۱۹۴۶ رژیم فاشیستی خون آشامی بر سر تاسریونان سایه افکند .

هزاران تن از میهن پرستان را روانه میدانهای اعدام شکنجه و زندانها ساختند . صدای یونان قبرستان را خفه کنند . آرامش گورستان آرامش دستهای بسته و دهنهای دوخته را برقرار سازند و برای اینکه بهتر بانجام این هدف نائل آیند در سال ۱۹۵۲ این کشور را بگردونه پیمان تجاوزکار ناتو بستند مدت ۸ سال کارابلیس پلیس دیکتاتور منفور و دست نشانده ناتو حکومت کرد و با اعدام و سرکوب وحشیانه آزادیخواهان یکی از سیاهترین دوره های تاریخ یونان را بوجود آورد تا جائیکه با توائه خائنانه ای لامبراکیس نماینده ترقیخواه پارلمان و شخصیت برجسته اجتماعی را بقتل رسانید .

شاید لامبراکیس تنها مبارزان ملت را محبوب نساخت بلکه پیکارشان را خون و جان تازه ای بخشید و سرانجام اراده آنها که در انتخابات اواخر سال ۶۳ و اوائل ۶۴ تجلی کرده بود کارابلیس را بهزیمت و داشت احزاب دموکرات مانند حزب واحد دموکرات و حزب اتحاد مرکزی پیروزی های درخشانی بدست آوردند . پاپاندرو رهبر حزب اتحاد مرکزی با اکثریت به نخست وزیر رسید و مردم قول داد که دموکراسی واقعی برقرار سازد . دستگاه دولتی را از عناصر فاشیست پاک ساخته و سطح زندگی مردم را بهبود بخشید هر چند در زمان او گامهای مثبت بسیاری برداشته شد و آتسفر نفاقان آور دوران کارابلیس از میان رفت و راه جهت رشد دموکراتیک جامعه تا حدی هموار شد ، اما

متأسفانه روش او در مقابل عناصر ارتجاعی دستیاران حکومت سابق دربار و محافل امپریالیستی لرزان و نا استوار بود . پاپاندرو آنطوریکه مصالح یونان اینجا میباید زنجیرهای محدودیت را از پای سازمانهای مترقی نکشود و بجای اینکه

سازمان خود را در میان مردم استحکام بخشد میخواست با سیاست آشوب جویانه و مصالحه آمیز خود ارتجاع یونان را بر سر راه آورد . او حتی حزب خود را از عناصر مترجیح و دست راستی که بعد از پشت به او نچرخیدند پاک نساخت

پاپاندرو از همان آغاز مرتکب اشتباه بزرگی شد او تیروس کاروفالباس صاحب کارخانجات بزرگ آبجو سازی و عامل سرسره ناتو را به وزارت دفاع منصوب کرد ، از آن پس کاروفالباس به مثابه امری برای توطئه های دربار و امپریالیست ها بود ، ارتجاع ضریب آورده یونان اکنون فرصت مییافت تا کمک ابزار بود یعنی ارتق رویای استقرار مجدد رژیم کارابلیس را به حقیقت نزدیک ساخته و دست آورد های مبارزه مردم را بر باد دهد . پاپاندرو وقتی بخود آمد

دید ارتجاع دیگر در اختیار او نیست و دولتی در میان دولت او به حساب میاید کاروفالباس هم تازی با مردم و حکومت مترقی آنها نداشت منبع الهام او دربار و محافظ بیگانه بود او حصار مایقی میان ارتق و حکومت قانونی برقرار ساخته بود . ارتجاع قدم به قدم پیش آمده تا جائیکه دولت را مواجه با شمار یک کودتای نظامی کرد . در اینجا بود که پاپاندرو

میم گرفت دولت را از شر کاروفالباس پاک ساخته و مواضع ارتجاع را در میان ارتق سرکوب سازد ، پست وزارت دفاع را

خود بپذیرد. این اقدام بمنزله خطر جدی برای نیروهای ضد ملی محسوب میشود. این بود که کاروانیس با پشتیبانی کنستانتین پادشاه یونان تن به استعفا نداد در عوض پایاند رتو آماج حملات دربار قرار گرفت و هنوز رسماً کناره گیری نکرده بود که پادشاه نواس را مامور تشکیل کابینه کرد. مردم یونان که شامند قربانی شدن شمه مبارزات خود و پایمال شدن قانون اساسی بودند در سرتاسر کشور بخروش آمدند. از فریب ۱۵ ژوئیه یعنی موقهیکه ملاقات پایاند رتو با کنستانتین بشکست انبامید تا کنون شهرهای مختلف یونان نظیر آتن و سالونیکا و پیرائوس و لوس صحنه نمایش پرشورترین تظاهرات و خشمناکترین اعتراضات بوده است. مردم تحت لوای اصل ۱۱۴ قانون اساسی یونان که مقاومت را برابر دیکتاتوره و قانون شکنی را وظیفه هر فرد میهنپرست میدانند به پیکار خود ادامه میدهند. کارگران و نسل جوان یونان پیشقراولان این مبارزه هستند. در روز ۲۱ ژوئیه برابر با سی تیر دانشجوی رزمنده ای بخاک افتاد و بدین ترتیب دانشگاه نخستین شهید مبارز اخیر را تقدیم کرد.

مبارزه همچنان ادامه دارد. پایاند رتو باتکا به نیروهای مردم سرسخت و ستاین انگیزی علیه توطئه های دشمنان ملت مبارزه میکند. حزب واحد دمکراتیک، اتحادیه های کارگری، سازمانهای جوانان و از جمله اتحادیه جوانان دمکرات لاسیراکیس و اتحادیه حقوقدانان دمکرات قوتا را شدیداً متکوم کرد و ضرورت تشکیل جبهه واحد ملی را گوشزد کردند.

اکنون نواس شکست خورده است و استفانوپولس یکی دیگر از نخست وزیران تحمیلی با رای عدم اعتماد مجلس روبرو شده است همانا آوریکه پایاند رتو گفته است تنها دو راه وجود دارد یا بازگشت او به نشست وزیری و پسا مراجعه به آراء مردم و تجدید انتخابات. بدیهی است که اگر نخست وزیری پایاند رتو برای ارتجاع بمنزله تب باشد مراجعه به آراء مردم برایشان مرک است.

از آنچه رفت چنین برمیآید که یونان روزمائی نثار اواخر تیر ماه ۳۱ و مرداد ماه ۲۲ ایران را میدهد امید امیر یالیستهای ناتو میخواستند اراده خود را باین ملت دلاور تحمیل کرده و جنبش آزیخواهان آنها را سرکوب سازند علاوه بر این میخواهند با تحکیم مواضع استعماری خود در یونان جنبش نجاتبخش مردم قبرس را کسه قبرسمانانه در برابر استعمارگران انگلیسی و امریکائی ایستادگی کردند تحت فشار و ضربات خود قرار دهند.

خلاصه اینکه یونان اکنون صحنه تضاد آشقی ناپذیر مردم از یکسو و امپریالیسم و متحدین داخلی او از سوی دیگر است. پس از شکست کودتای سیاسی دشمنان ملت اکنون خطر یک کودتای نظامی حیات این کشور را تهدید میکند. سی تیر یا بیست و هشتم مرداد اقدام یک فرجام کار است باشد تا آذانی و وحدت رزمنده مردم یونان همبستگی نیروهای ترقیخواه جهان رویاهای امپریالیست ها را بدابوس نمانی بکشاند.

تاریخ حکم میکند که قرن بیستم باید گورستان امپریالیسم باشد.

+++++

+ در روز بیست و هشتم مرداد که همانی با شب سالگرد کودتای بیست و هشت +  
 + مرداد بود دستگاه دیکتاتوری بخانه های مبارزین نهضت ملی یورش برد. +  
 + از جامعه سوسیالیستها. +  
 + خلیل، ملکی، رضای شایان، حسین سرشار و ملیجان شانس +  
 + از حزب مردم ایران +  
 + حسین راضی، دکتر مرعائی، دکتر سامی. +  
 + از دانشجویان مبارز دانشگاه +  
 + منوچهر تقوی بیات، محقق زاده، منوچهر شجاع را توقیف و روانه زندان +  
 + ساختند. +  
 ++++++

پیام دانشجو صدای نسل جوان است. بخوانید و بدوستان خود بدید.  
 تکثیر از طرف سازمانهای جبهه ملی ایران در اروپا